

رویارویی تجارت جهانی با یک تصمیمگیری مهم و تعیین کننده مسائل و چشم اندازهای "گات" در دور مذاکرات اروگوئه.

نویسندگان: کریستا راندزیو - پلت و هانس برنرد شافر

مترجم: علیرضا داودی

با این وصف، ما احساس می‌کنیم جربانی که در آن کشوری
می‌کوشد تا موفقیت خود را با صدمه زدن به دیگران بهبود
بخشد، به هیچ روی بر اصول نوع دوستی منطبق نیست.
پلوتارک^۱

الف) "گات" به عنوان سازمان نظم دهنده تجارت جهانی

در ماه دسامبر ۱۹۹۰، بعد از سالها مذاکره و تبادل نظر درباره توسعه بیشتر نظم تجارت جهانی، دور
مذاکرات "گات" (موافقتنامه عمومی تعرفه‌های گمرکی و تجارت) که در اروگوئه برگزار شد، بدون

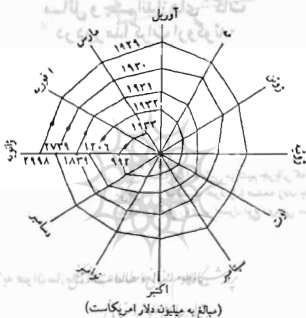
* Christa Randzio-Plath and Hans-Bernd Schafer. "World Trade Facing Crucial Decision-Problems and Prospects of the GATT Uruguay Round". Economics, Vol. 46, pp.7-46.

1. Plutarch

2. General Agreement of Tariff and Trade (GATT)

برآوردن انتظارات و توقعات فرا روی آن، به کار خود پایان داد. بالاترین عامل این شکست، ناتوانی ایالات متحده آمریکا و جامعه اروپا برای رسیدن به توافقی در ارتباط با تجارت فرآورده‌های کشاورزی بود.

شکل ۱. حرکت ماریجی تجارت جهانی. رکود تاریخی: کاهش شدید حجم تجارت جهانی در نتیجه تضادهای اقتصادی



مأخذ: Charles P. Kindleberger, Die Weltwirtschaftskrise.

از سرگیری بحاری مذاکرات در ژنو، هنوز عملاً تحت الشعاع تضادهای و رقابتهای موجود در تمام زمینه‌هاست. عقیده اولیه و اساسی گات در خطر است؛ زیرا فکر برقراری یک سازمان نظم‌دهنده.

چند جانبه برای تمام کشورها، بدون در نظر گرفتن مرحله پیشرفت آنها، توسط یک رشته حمایت‌های اقتصادی، گرایش به سوی روابط اقتصادی دو جانبه و تشکیل اتحادیه‌های تجاری در مرض نهدید و نابودی فرار گرفته است. در نتیجه، خطر قریب الوقوع تکرار وضعیتی وجود دارد که متبر به سقوط شدید قیمت‌های تجارت جهانی در دهه ۱۹۳۰ گردید، یعنی زمانی که نظم تجارت آزاد قرن نوزدهم توسط ملت‌گرایی اقتصادی و تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای نابود شد و نتایج معیبت باری را برای رفاه و توسعه به همراه آورد (نگاه کنید به شکل ۱).

در سال ۱۹۴۷، گات با این هدف تشکیل شد که به بازار جهانی اجازه دهد تا حرکت تازه‌ای را بعد از جنگ جهانی دوم آغاز نماید. این موافقتنامه بر پایه تعدادی از اصول ساده گات بنا شد، که رعایت آن برای تمام اعضا الزامیست، و عبارتند از رفتار براساس منافع ملی اکثریت کشورها، برخورد یکسان با تمام ملل و پرهیز از پنهان کاری در معاملات، و انتظار می‌رفت که به پیشبرد رفاه عمومی، توسعه منابع جهانی و افزایش تولید جهانی و مبادله کالاها کمک نماید.

فکر اولیه سازماندهی تجارت جهانی، به دنبال یک منشور تجارت جهانی و برپایی سازمان تجارت جهانی براساس تدابیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شکل گرفت. اگر چه این طرح‌ها به واقعیت نیویست، اما امروزه گات چیزی بیش از یک موافقتنامه تجاری صرف است. در نتیجه یک رشته مذاکرات و توافقات که در طول ۴۳ سال، از آغاز فعالیت گات تاکنون، صورت گرفت، نرخ‌های تعرفه به طور مداوم کاهش یافت و از ۴۰ درصد به حدود ۵ درصد رسید. از زمانی که گات به وجود آمد حجم تجارت جهانی تقریباً ده برابر افزایش یافت، بنابراین تجارت جهانی سریعتر از محصول ناخالص ملی افزایش یافته است و اغلب کشورها کاملاً به بازار تجارت جهانی ملحق شده‌اند.

در سال ۱۹۹۰، حجم تجارت جهانی از نظر ارزش معادل ۳۵۰۰ میلیارد دلار بود که ۱۱ درصد آن را داد و ستد فرآورده‌های کشاورزی، ۵۷ درصد آن را داد و ستد فرآورده‌های صنعتی و ۲۰ درصد آن را تجارت بخش خدمات تشکیل می‌داد. در همین زمان، سهم محصول ناخالص ملی از تجارت جهانی فرآورده‌های کشاورزی در کشورهای صنعتی ۳ درصد، و در کشورهای در حال توسعه ۱۵ درصد کاهش یافت (۱۹۸۷). ارزش کالاهای مورد معامله در کشورهای در حال توسعه تا ۳۶ درصد محصول ناخالص ملی افزایش پیدا کرد و در کشورهای صنعتی به ۳۵ درصد محصول

ناخالص ملی کاهش یافت، در حالی که ارزش داد و ستد در بخش خدمات در کشورهای صنعتی به ۶۳ درصد محصول ناخالص ملی رسید. همچنین، سهم بخش خدمات در محصول ناخالص ملی کشورهای در حال توسعه به افزایش خود ادامه داد و در سال ۱۹۸۷ بالغ بر ۴۹ درصد محصول ناخالص ملی گردید.

دوره‌های گوناگون مذاکرات گات زمینه‌این پیشرفت عموماً مثبت را فراهم نمود. جاذبه پیوستن به گات را می‌توان از طریق افزایش اعضای آن نشان داد که از ۲۳ کشور امضاکننده در زمان تأسیس به ۱۰۱ کشور در سال ۱۹۹۱ افزایش یافته است.

حتی با وجود بحرانهای ساختاری و منطقه‌ای، گات همواره تأثیر مثبتی بر افزایش ثروت کشورهای صنعتی داشته است. مع هذا، تنها چند کشور در حال توسعه آسیایی قادر بودند سهمی در این پیشرفت داشته باشند. برای اغلب کشورهای "جنوب"، نظام تجارت جهانی نه ثروتی ایجاد نموده و نه عامل بازدارنده‌ای در مقابل توسعه نیافتگی، بدهکاری یا فقر بوده است.

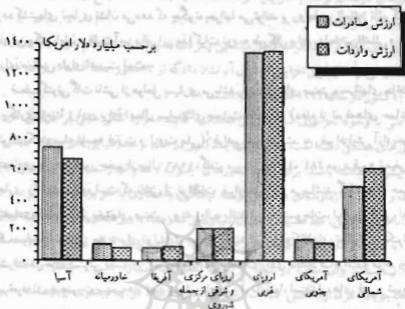
اما در این ضمن، خط مشیهای تجاری بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهایی با قدرت تجاری زیاد، به نحوی توسعه یافته‌اند که به سختی می‌توان آنها را با اصول بین‌المللی تجارت آزاد و منصفانه سازگار دانست. برای مثال، در نتیجه "ترتیبات و توافقات بازار امن و منظم" و اقدامات مداخله جویانه طرفداران احسن حمایت، مناطق حمایت شده هر چه بیشتری ایجاد شده است. توافقات خاص دو جانبه یا منطقه‌ای نیز افزایش داشته است. این عوامل ممکن است جریان قانونمند و منظم نظام تجاری چند جانبه جهانی را به مخاطره اندازد.

پیش از همه، کشورهای کوچکتر و ضعیفتر که برای آنها امکان بالقوه مذاکره در جنبه بسیار ناپذیر است، از این نوع پیشرفت امور متحمل زیان گردیده‌اند. با این وصف در پایان، تمام کشورهای معامله کننده به علت خودسریها و آشفته‌گیهای موجود در بازارهای جهانی و گرایش به سوی تقسیم و تجزیه تجارت جهانی، صدمه دیده‌اند. به طور کلی تأثیر زیانبار وارد بردآمد و اشتغال، که از اصل حمایت اقتصادی ناشی می‌شود، به طور روزافزونی خود را در اقتصاد آشکار نموده است. احتمال دارد تجزیه و فروپاشی گات باعث وارد آمدن زیان به تمام کشورهای عضو آن گردد؛ زیرا طبق مطالعات و بررسیهای مرکز اقتصاد بین‌المللی که در سال ۱۹۹۰ صورت گرفت است، هر کشوری می‌تواند از آزادی و رفع محدودیت در زمینه تجارت جهانی متنع گردد. این

بررسیها نشانگر آن است که دور مذاکرات اروگوئه می‌تواند معمول ناخالص داخلی کشورهای عضو را به میزان ۹۵ میلیارد دلار آمریکا افزایش دهد. برعکس، اثرات منفی شکست این مذاکرات محدوده‌ای فراتر از تجارت و خط مشی اقتصادی را در برخواهد گرفت. جنگ خلیج و جلوگیری از تردد کشتیهای تجاری نشان می‌دهد که چگونه بحرانها می‌توانند بر روابط بین‌المللی تأثیر گذارند. بنابراین یک پایان موفقیت‌آمیز برای این مذاکرات نیز، به طور کلی برای روابط بین‌المللی و حال و هوای سیاسی دارای اهمیت است.

ضعف کنونی گات ناشی از عوامل بسیاری می‌باشد. در کشورهای صنعتی، بحرانهای ساختاری و یکاری زمینه زیادی برای اعمال سیاستهای حمایت اقتصادی (دفاع از تعرفه‌های حمایتی به عنوان یک وسیله توسعه قدرت و ثروت ملی)^۱ فراهم نموده است. به رغم افزایش آزادخواهی اقتصادی در ۴۵ کشور عضو از سال ۱۹۸۶، گات در سال ۱۹۹۰، ۲۸۱ مورد قیود تبعیض‌آمیز تجاری را ثبت نموده است که ناشی از توافقات غیرارادی بازر می‌باشند. گذشته از حمایت اقتصادی کلاسیک از بخشهای صنعتی رو به زوال، مانند فولاد، نسوجات، لباس و کفش، اعمال یک سیاست حمایتی جدید برای تولیدات صنعتی، مانند اتومبیل و کالاهای تجاری با تکنولوژی پیشرفته در حال گسترش است. این امر، به ویژه در توافقات ارادی تحدید صادرات و موانع تجاری غیر تعرفه‌ای به صورت سهمیه‌ها، تصدین نامه‌های مبدأ، مالیاتها، استانداردهای فنی و شیوه‌های خرید عمومی مشهود می‌باشد. اعمال این سیاست حمایتی جدید، در سال ۱۹۸۶، تقریباً بر ۱۷ درصد از واردات کشورهای صنعتی اثر گذاشته. به علاوه، توافقات ارادی تحدید صادرات، به ویژه یک شکل پیهوده از حمایت اقتصادی است، زیرا برآورد شده است که در نتیجه اعمال این سیاست در کشور واردکننده، هزینه از دست داده ثروت سه برابر بیشتر از منافع اقدامات حمایتی گمرکی می‌باشد. طبق گزارش نوسه جهانی که در سال ۱۹۸۷ ارائه شده در کشورهای صنعتی هزینه حمایت اقتصادی بالغ بر $\frac{3}{5}$ تا $\frac{5}{5}$ درصد ارزش محصول ناخالص ملی و در کشورهای در حال توسعه $\frac{2}{5}$ تا $\frac{6}{5}$ درصد ارزش محصول ناخالص ملی می‌باشد. به علاوه، حمایت اقتصادی تأثیر زیانباری بر بدهی کشورهای در حال توسعه بر جای می‌گذارد، زیرا دسترسی آنها را به بازار محدود نموده و از این طریق منجر به از دست دادن درآمدهای صادراتی می‌گردد.

شکل ۲. سهم منطقه‌ای تجارت جهانی در سال ۱۹۸۹



مأخذ: GATT 1989/90, Vol 1, p.8, Table 5.

تضمین یا نابودی گات ممکن است به معنی پایان دوران تجارت جهانی آزاد و منصفانه باشد و احتمالاً دلالت بر بازگشت اتحادیه‌های بازرگانی، توافقات دو جانبه و تضادهای تجاری خواهد داشت. بنابراین فشار بر دور مذاکرات اروگوئه برای کسب موفقیت، نسبتاً بالاست. گات یک فرصت برای بقا دارد، زیرا احتمال گسترده‌ای جهت دستیابی به یک توافق همگانی در زمینه منافع متضاد همکاری بین‌المللی، غلبه بر گرایش‌های منطقه‌ای و به هم پیوستن کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که در گذشته بازرگانی دولتی داشته‌اند، وجود دارد. موفقیت قانونی ناظر که هم‌اکنون در مذاکرات گات به شوروی اعطا گردیده، یک مثال عملی در زمینه یاد شده می‌باشد.

منفی که در پایان موفقیت آمیز دور مذاکرات اروگوئه وجود دارد، بیشتر در الحاقیه خلاصه مذاکرات دولت آمریکا مورد تأکید قرار گرفته است، اما هر کشوری باید نقش خود را در به نرساندن موفقیت آمیز این مذاکرات بازی نماید، زیرا نه ایالات متحده آمریکا و جامعه اروپا و نه ژاپن، هیچ یک نمی توانند یا نمی خواهند نقش رهبری را در گات غصب نمایند.

با افزایش کسری موازنه تجاری و کاهش قدرت رقابت صادرات آمریکا، این کشور خط مشی آزاد تجاری خود را تغییر داده است. امروزه، خط مشی تجاری آمریکا نشانگر گرایش به سمت اقدامات یک جانبه، و طرفداری از اصل حمایت اقتصادی، با اعمال قوانین تجاری تطابقی و معازاتهای اقتصادی می باشد کشور ژاپن در نتیجه مازاد موازنه پرداختهای حسابهای جاری خود، هیچ گونه سودی در به عهده گرفتن نقش رهبری ندارد. در نهایت جامعه اروپا، با ایجاد اصلاحات کشاورزی، اتحادیه اقتصادی و پولی، اتحادیه سیاسی و نیز با سازماندهی مجدد روابط خود با اروپای مرکزی و شرفی کاملاً درگیر تدارک بازار واحد است، و نقش رهبری گات بار سنگینی بر دوش این جامعه خواهد بود. کشورهای در حال توسعه متشکل از یک گروه متحد نیستند و از نظر منافع و میزان نفوذ با یکدیگر متفاوت می باشند.

امروزه بیش از هر زمان، نیاز به بصیرت و اراده خلاق سیاسی است تا از گسترش گرایشهای طرفداری از اصل حمایت اقتصادی محانت به عمل آورد. با وجود تمام کاستیها، گات سازمانی است که در اغلب موارد تأثیر خود را در فراهم نمودن ثروت و نیز تضمین شرایط تجارت متصفانه و آزاد به اثبات رسانده است. سایر موافقتنامه ها و سازمانهای بین المللی در موقعیتی قرار ندارند که نقش گات را بر عهده گیرند. به ویژه، کنفرانس تجارت و توسعه وابسته به سازمان ملل متحد 'اونکتاد' نمی تواند جایگزین گات گردد. واقعیت این است که در اونکتاد به منافع خاص کشورهای در حال توسعه اهمیت زیادی داده می شود، در حالی که گات هم چنان در تسلط کشورهای ثروتمند است. مع هذا، تاکنون پیشنهادهای غیر اجباری اونکتاد، اغلب نتیجه ای در بر نداشته است. در اونکتاد کشورهای در حال توسعه، بیشتر به طور مستقل عمل می نمایند. این موضوع در مورد کشورهای صنعتی، چنانچه قرار باشد تلاش کنند تا خط مشی تجاری خود را درون

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ سازماندهی نمایند، نیز صادق خواهد بود. برعکس، سازوکارهای کنترل چند جانبه گات به معنای آن است که به دنبال توافقات گسترده‌تر، به کشورهایی یا توان معامله و مذاکره اندک - به ویژه کشورهای ضعیفتر در حال توسعه - فرصت داده خواهد شد تا امتیازاتی کسب نمایند.

ب) نکات اصلی مورد بحث در دور مذاکرات اروگوئه

گردهماییهای گات به صورت دورهای مذاکرات سازماندهی شده است، و تاکنون تلاش جهت کاهش ترفه‌ها عمده‌ترین موضوع آن بوده است. دور مذاکرات اروگوئه هشتمین دور از این مذاکرات می‌باشد که از سال ۱۹۸۶ با گردهمایی در سطح وزیران در پونتا دل استه^۲ آغاز گردید. افزایش تعداد عوامل اخلاکگر و مزاحم در تجارت جهانی، دلیلی بر این توافق بود که در این دور باید بسیاری از موضوعات، از جمله برخی موضوعات جدید، در مذاکرات گنجانده شود. با این وصف، تاکنون (سال ۱۹۹۰) نتیجه مورد نظر به دست نیامده است و مذاکرات در حال حاضر در هفت گروه کاری مذاکره‌کننده در زئودامه دارد. بازرگانی، کشاورزی، منسوجات، دسترسی به بازار، خدمات، قوانین و نواعد گات، توافق در زمینه موضوعات مورد مجادله و مسائل سازمانی و حفظ سرمایه‌های معنوی، موضوعاتی است که باید این هفت گروه کاری مذاکره‌کننده درباره آنها تصمیمگیری نمایند. تا ماه دسامبر ۱۹۹۰، مباحث زیر در مجموع ۱۵ زیرگروه کاری مطرح و مورد مذاکره قرار گرفته است که اهمیت هر یک از آنها برای کشورهای شرکت‌کننده متفاوت می‌باشد.

۱. طرحهای پیشنهادی برای کاهش ترفه‌ها تا ۳۰ درصد، و حتی حذف ترفه‌ها در برخی بخشها ارائه گردیده است.

۲. مقرر شده تا خطرات ناشی از جایگزینی ترفه با موانع بازاریارنده غیر ترفه‌های ارزیابی گردیده و راههای محدود کردن آنها مورد بحث قرار گیرد. حتی امروزه سهم این نوع ترفه‌ها معادل ۱۸ درصد مجموع ارزش بازار، به استثنای تجارت نفت می‌باشد.

1. OECD

2. Punta del Este

۲. در زمینه موضوع منابع طبیعی، مذاکراتی در ارتباط با عرضه منابع جدید و نیز چگونگی دسترسی به مناطق ماهگیری و استخراج فلزات غیرآهنی در جریان است. در مورد این منبع خاص، کشورهای صنعتی و در حال توسعه با یکدیگر اختلاف نظر دارند.
۳. موضوع مواد اولیه، بهبود نحوه دسترسی صادرکنندگان مواد اولیه به بازارهای عرضه را در برمی گیرد. در اینجا روشهای قیمتگذاری دوگانه که منجر به صادرات پرهزینه تر می گردد، یک موضوع دشوار برای تصمیمگیری است. فرایند آزادسازی در بخش تولیدات گرمسیری پیشرفت نموده است. این امکان وجود داشته که اولین طرح آزادسازی که در آن کاهش بیشتر تعرفه ها و گسترش بازارها مدنظر بوده، به صورت آزمایشی پس از کنفرانس مونتREAL به مرحله عمل درآید.
۴. مقرر گردید بخش پارچه و منسوجات سر و سامان تازه ای یافته و به صورت یک بخش مستقل مجدداً در داخل گات مورد بررسی قرار گیرد. زمان اجرای این تحول یک موضوع خاص مورد مجادله بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه است.
۵. برای اولین بار، بازرگانی کشاورزی به عنوان موضوع مذاکرات مطرح شده است. توجه اصلی به کاهش کمک مالی برای صادرات معطوف گردیده است که منشأ تضاد منافع بین جامعه اروپا و ایالات متحده آمریکا، و نیز سایر کشورهای صادرکننده فرآورده های کشاورزی است. این موضوع اختلاف برانگیز باعث شده است گفتگوهای بروکسل^۱ متوقف گردیده و به وقت دیگری موکول شود.
۶. موضوع دیگر مذاکرات، تجدید نظر در زمینه قواعد و قوانین گات می باشد، قوانینی که ممکن است طرفداران اصل حمایت اقتصادی برای رسیدن به مقاصد خود از آن سوء استفاده نمایند. اما از نظر کشورهای در حال توسعه، زمانی که آنها در حال تأسیس صنایع تولیدی خود هستند، این قوانین جزو عناصر ضروری برای انطباق این کشورها با شرایط جدید می باشند.
۷. در مذاکرات مربوط به موافقتنامه ام. تی. ان^۲ (بازارهای ضد رقابت مکارانه و بازارهای رسمی)، تضاد منافع بین ژاپن، جامعه اروپا، آمریکا و کشورهای تازه صنعتی شده حل نگردیده است. هدف این است که در این زمینه، مجموعه قوانین در مقررات گات گنجانده شود.

1. Brussel

2. MTN

۹. شروط گریز هنوز یک موضوع بحث‌انگیز در مذاکرات است. کشورهای در حال توسعه بر انبای شروط گریز مجاز بافشاری می‌کنند، در حالی که کشورهای صنعتی، به رغم حمایت از گریزش تحت شرایط خاص، از کاهش آنها طرفداری می‌کنند.

۱۰. این مسئله دربارهٔ کمکهای مالی مطرح است که کدام یک از آنها باید در طبقه‌بندی قانونی، "ممنوع" یا "مجاز" گنجانده شود. به ویژه، کشورهای در حال توسعه علاقه‌مند هستند که به آنها اجازه داده شود تا به استفاده از این کمکها، به منظور تثبیت تولید داخلی ادامه دهند.

۱۱. حفاظت از سرمایه معنوی، شامل حمایت از اسم تجاری و حمایت از حق ثبت اختراع می‌باشد و در عرف بین‌المللی از آن به عنوان "تربیها" (حقوق و امتیازات سرمایه معنوی در ارتباط با تجارت) یاد می‌گردد. از نظر کشورهای صنعتی مورد دوم لازم الاجراست. به سبب تاریخ تغییر و تحول و ترتیبات ویژه در مورد گروه کشورهای در حال توسعه با درآمد سرانه پایین، مسائل خاصی در این زمینه مطرح گردیده است.

۱۲. مذاکرات دربارهٔ حمایت از اقدامات سرمایه‌گذاری در ارتباط با تجارت^۱ یک مبحث الحاقی جدید است. از آنجا که کشورهای صنعتی این امر را به عنوان یک مانع تجاری تلقی می‌کنند، مذاکرات بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه دربارهٔ این موضوع بحث‌انگیز می‌باشد.

۱۳. همچنین، روشن نیست که نتیجهٔ مذاکرات دربارهٔ اصلاح گات و رفع منازعات و رسیدن به توافقات چه خواهد بود. در اینجا موضوعات عمده، گرایش به سمت کاربرد روشهای محکمه مانند در کل، خصصت و ویژگی الزام‌آور تصمیمات، برقراری یک تشکیلات دادخواهانه و جاذب و به ویژه طول مدت رسیدگی به دعاوی می‌باشند. مع هذا، پیچیدگی پیشرفت این گونه مذاکرات با این مسئله نیز در ارتباط است که آیا گات باید به عنوان یک سازمان در راستای طرحها و هدفهای صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی، عمل کند.

۱۴. برای اولین بار، حوزه خدمات در دور مذاکرات گات گنجانده شده است. موافقتنامه عمومی بازرگانی در زمینهٔ خدمات (GATS) به این قعد مطرح شده است که مسئولیت نهاد موافقت چند جانبهٔ مستقل از گات را به عهده گیرد.

۱۵. یک زیر گروه در حال بررسی عملکرد نظام گات است. این کار به روشی انجام می‌گیرد که در زیر، ما تنها به بررسی آن دسته از موضوعات مورد مذاکره می‌پردازیم که منشأ تضادهای عمده بوده، و در زمینه توسعه آینده تجارت بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار هستند.

۱. تجارت مواد غذایی

در تمام کشورهای صنعتی، با وجود تفاوت‌هایی که در مورد انتخاب شیوه‌ها وجود دارد، بخش کشاورزی از کمک‌های مالی دولت بهره‌مند می‌گردد. دلیل اساسی و رسمی اعطای این گونه کمک‌ها این است که آنها قصد دارند از یک سو ذخیره مواد غذایی جمعیت کشور خود را تأمین نمایند و از

شکل ۳. حجم صادرات صادرکنندگان عمده کالا در سال ۱۹۸۸

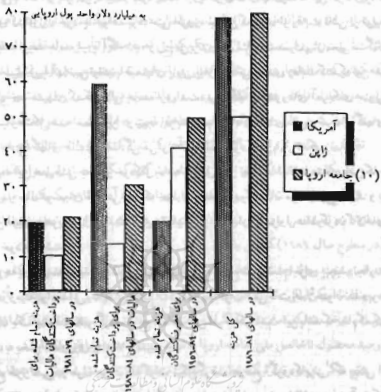


سوی دیگر درآمد کشاورزان را افزایش دهند. مقدار این گونه کمکها به اندازه‌ای است که در اغلب موارد برای سایر بخشهای اقتصاد به ندرت امکانپذیر و قابل حصول می‌باشد. در سال ۱۹۸۶، کمکهای جامعه اروپا در این زمینه معادل ۵۰ درصد، آمریکا ۳۵ درصد و ژاپن تا ۷۵ درصد درآمد تولیدکنندگان بوده است. در جامعه اروپا، هزینه این خط مشی برای مصرف‌کننده به ۹۰ پوند در ما، به ازای هر خانوار برآورد گردیده است.

خط مشی کمک مالی جامعه اروپا، اصولاً براساس تضمین قیمت‌های بالای دولتی استوار است که اغلب موارد این قیمت‌ها بسیار بالاتر از قیمت‌های بازار جهانی است؛ و البته تا اندازه‌ای نیز براساس پرداخت انتقالی مستقیم و بدون واسطه می‌باشد. در این ضمن، خط مشی قیمت بالای محصولات کشاورزی جامعه اروپا یک عامل عدم اطمینان را در اقتصاد جهانی به وجود آورد. این کمکها در دهه ۱۹۵۰ و به منظور بالا بردن درآمد کشاورزان معمول گردید. در آن زمان مقرر شد بخش کشاورزی از طریق پرداخت قیمت‌های بالاتر از سوی مصرف‌کننده، مورد حمایت قرار گیرد. به علاوه زمانی که جامعه اقتصادی اروپا تأسیس گردید، اتخاذ این خط مشی یک مصالحه ضروری بین کشورهای کشاورزی و صنعتی این جامعه، به ویژه بین آلمان غربی و فرانسه بود. در آن زمان مذاکعات این خط مشی گمان می‌کردند که این کمک تنها یک توزیع مجدد درآمد بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است. آنچه که آنان توجیهی به آن نمودند و آنچه که از همان ابتدا بسیاری از کارشناسان در مورد آن هشدار دادند، این بود که قیمت‌های زیاده از حد بالا منجر به یک افزایش چشمگیر در تولید می‌گردد و اینکه جامعه اروپا از منطقه‌ای پاک‌موسود مواد غذایی تبدیل به منطقه‌ای با مازاد مواد غذایی خواهد شد. به هر حال، این دقیقاً همان چیزی بود که به وقوع پیوست و امروز ما شاهد هستیم که تولیدات کشاورزی اروپایی در بازار جهانی با تولیدات کشاورزی کشورهای در حال توسعه و آمریکا رقابت می‌کنند.

بنابراین، اعمال اصلی حمایت اقتصادی منجر به دو نوع افراط نادرست می‌گردد. از یک طرف مصرف‌کنندگان باید زیانهای زیادی را تحمل نمایند که میزان آن در سال ۱۹۸۱ از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۲۴۵ میلیارد دلار برآورد شده است، و این مبلغ معادل ۵ برابر کمک برای توسعه است که سالانه از سوی کشورهای غربی اعطا می‌گردد.

شکل ۴. هزینه خط مشی کشاورزی



مأخذ: Frohlich, Das GATT am Scheideweg, p.36, Table 5.

از طرف دیگر افزایش مصنوعی قیمتها و بازارشکنی از طریق عرضه سزاد محصولات کشاورزی به بازار جهانی، منجر به کاهش قیمتها می‌گردد که به ویژه نتایج زیانباری برای کشورهای

در حال توسعه در بردارد. در این گونه کشورها، کشاورزان انگیزه تولید را از دست می دهند، زیرا قیمت‌های بازار جهانی بسیار پایین می آید. به این دلیل کشورهای در حال توسعه بیم آن دارند که بازار واحد اروپایی باعث افزایش هر چه بیشتر نفوذ جامعه اروپا در اقتصاد آنها گردد که این امر به ویز، به معنی نابودی کشاورزان خرده پا خواهد بود. حتی امروزه نیز این کشورها از رقابت ناشی از تولید افراطی و زیاده از حد جامعه اروپا آگاه شده و رنج می برند. برای مثال، محصول پیاز محلی سنگال از بین رفته است، زیرا آنها نمی توانند با قیمت‌های پایین پیاز وارداتی هلندی رقابت کنند که این امر نتیجه اعمال خط مشیهای کمک مالی جامعه اروپاست. برای گلهای کشورهای آمریکای جنوبی بازاریابی بسیار مشکل شده است، زیرا در نتیجه افزایش بسیار زیاد کمکهای مالی و تعرفه‌های گلهای میخک و داودی، گلهای هلندی به سادگی می توانند موفقیت خود را در بازار تحکیم نمایند. به علاوه، این خط مشی به طور خودکار جامعه اروپا را در تضاد با ایالات متحده آمریکا و کشورهای در حال توسعه‌ای قرار می دهد که خود از جمله صادرکنندگان مواد غذایی هستند و به علت عوامل طبیعی و هزینه‌های تمام شده پایین تر، بیش از جامعه اروپا سزاوار صادر کردن کالاهای کشاورزی خود می باشند.

اما با توجه به ماهیت پیچیده و دشوار مسئله کشاورزی، مطرح شدن تمام اجزای پیچیده تجارت بین‌المللی در زمینه مواد غذایی، که بخش اعظم آن در دور مذاکرات قبلی گات اصلاً عنوان نشده بود، باید به عنوان یک پیشرفت تلقی گردد. نتایج متعاقب این امر ممکن است این باشد که نظام کمک مالی دولت به بخش کشاورزی را اصلاح کنند.

چهار موضع طرز تلقی در طول جریان مذاکرات شکل گرفت. موضع «گروه کابرنز» که بعضی از اعضای آن عقاید متفاوتی دارند، موضع ژاپنی، موضع جامعه اروپا و موضع ایالات متحده آمریکا. گروه کابرنز از کشورهای تشکیل شده است که در سال ۱۹۷۶ در شهر کابرنز استرالیا، به منظور هماهنگ نمودن موضع خود با یکدیگر ملاقات کردند. این گروه شامل ۱۳ کشور، است که عبارتند از آرژانتین، استرالیا، کانادا، شیلی، کلمبیا، برزیل، مجارستان، اندونزی، مالزی، زلاندنو، فیلیپین، نابلند و آروگوئه. این گروه در حال حاضر از صادرکنندگان عمده مواد غذایی بوده یا در آینده خواهد بود و بنابراین تمام آنها از آزادسازی تجارت مواد غذایی منتفع خواهند شد. گروه کابرنز پیشنهاد

نموده است روند فعلی افزایش کمکهای مالی در بخش کشاورزی متوقف گردیده و طی یک دوره ده سال کاهش یابد.

با وجود اینکه ژاپن حتی بیش از جامعه اروپا به بخش کشاورزی خود کمک مالی اعطا می‌نماید، اما به همان میزان در تجارت بین‌المللی دخالت نمی‌کند زیرا این کشور هنوز با کمبود مواد غذایی روبه‌روست. موضع ژاپن بین کمکهایی که به منظور تأمین مواد غذایی اعطا می‌گردد و کمکهایی که به ناهنجاری تجارت بین‌المللی می‌انجامد، تمایز مشخص و دقیقی قایل است. مع هذا، ژاپن در بازار داخلی خود را کاملاً بر روی واردات مواد غذایی، به ویژه واردات برنج بسته است. تحت شرایط کنونی بازار جهانی، تولید برنج داخلی ژاپن به حال رکود در خواهد آمد.

تضاد بین جامعه اروپا و ایالات متحده آمریکا تمام کشورها را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. آمریکا درخواست کاهش اساس و تمام عبار کلیه کمکهای صادراتی مواد غذایی را تا سال ۲۰۰۰ مطرح نموده است. برعکس، جامعه اروپا در ابتدا تنها آماده کاهش کمکهای مالی به صورت بسیار نام و نامشخص بوده، اما پس از آن پیشنهاد نمود کمکهای مالی در تمام بخشها تا ۳۰ درصد (در سطوح سال ۱۹۸۶) کاهش یابند.

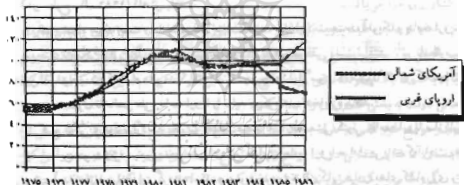
به رغم پیشنهاد سوئد جهت وساطت، رفع اختلاف عقیده میان ایالات متحده آمریکا و جامعه اروپا همچنان ناممکن باقی ماند، و در دسامبر سال ۱۹۹۰ به هیچ توافق دست نیافتند. تأثیر نامطلوب این امر موجب شد که تمام دور مذاکرات گات، در نتیجه فشار از سوی ده میلیون کشاورز که تنها ۳ درصد محصول ناخالص ملی جامعه اروپا را تولید می‌کردند، به مخاطره بیافتد.

هیچ شکی وجود ندارد که تجارت جهانی منصفانه با خط مشی کنونی جامعه اروپا سازگار نیست این امر به ویژه در مورد خط مشیهای قیمتگذاری جامعه اروپا صادق می‌باشد که باعث به وجود آمدن مازاد مواد غذایی گردیده است و به نوبه خود روند بازرگانی فرآورده‌های کشاورزی را هر چه بیشتر مختل نموده و دریهای بازار داخلی را به روی فروشندگان خارجی می‌بندد. هرگونه کاهش در اعطای کمکهای مالی، بدون شک منجر به کاهش تعداد مزارع خواهد شد. این امر همچنین باعث کاهش ارزش زمینهای کشاورزی شده و بنابراین برای بسیاری از کشاورزان به معنی از دست رفتن دارایی می‌باشد. سرانجام، این خطر نیز وجود دارد که از جمعیت مناطق روستایی کاست شده و این مناطق جاذبه کمتری برای سکونت داشته باشند. این مسائل را می‌توان و باید از

راههای سیاسی حل نمود و نیازی نیست که به ملیت گرای اقتصادی و خودخواهی در روابط بین‌المللی متوسل گردید. مانند موارد دیگر، می‌توان مسائل اجتماعی تغییر ساختاری را از طریق پرداختهای مستقیم به اشخاص زیان‌دیده حل نمود و برای کشاورزانی که تغییر ساختاری بر زندگی آنها اثرات نامطلوبی برجای گذاشته است، فرصتهای جدیدی برای اشتغال فراهم آورد. برای مثال، می‌توان در مقابل پرداخت دستمزد از سوی دولت، کارهای جدیدی در زمینه‌های حفظ محیط و نگهداری حومه‌های شهر به آنها ارجاع نمود. اصرار بر مواضع گذشته منجر به کشمکش و تضاد دائمی با ایالات متحده آمریکا و تعدادی از کشورهای در حال توسعه خواهد شد. همچنان که نمونه

شکل ۵. توسعه صادرات مواد غذایی برحسب ارزش آنها، ۱۹۷۵-۱۹۸۶

(۱۹۸۱-۷۹=۱۰۰)



منبع: Frohlich, Das GATT am Scheideweg, p.36, Table 7.

دور مذاکرات اروگوئه نشان داد کشورهای در حال توسعه به طور فزاینده‌ای تعابیل دارند در مناطق دیگری که اقتصاد آنها به رونق تجارت مواد غذایی وابسته است، روند آزادسازی پیشرفت نماید. آلمان غربی، به عنوان یکی از عمده‌ترین کشورهای صادرکننده، علاقه‌ای ندارد که روابط خارجی‌اش در معرض خطر قرار گیرد، زیرا اعتراض و مخالفت گروه‌های ذی نفع، هرگونه تغییر اساسی در خط مشی کشاورزی را بی‌اثر خواهد کرد. برای کشورهای در حال توسعه، از نظر پیشبرد خط مشی توسعه، کوتاه‌شدن دست آنها از بازارهای داخلی کشاورزی بیش از این قابل تحمل نیست و علاوه بر آن نمی‌توانند بپذیرند که مازادهای ناشی از کمک‌های مالی و عرضه فراوان کالا در بازار، به طور مداوم شیوه عملکرد آنها را مختل نماید.

۲. منسوجات و پوشاک

برای کشورهای در حال توسعه، تجارت بین‌المللی منسوجات و پوشاک و به ویژه آزادسازی این تجارت مزایای خاصی به همراه دارد، زیرا تولید این کالاها می‌تواند برتریهای رقابتی خاصی برای این کشورها به بار آورد، و این در حالی است که ضعف ساختار اقتصادی آنها که ممکن است تأثیر منفی بر فرایند تولید داشته باشد، در این زمینه‌ها نقش اساسی بازی نمی‌کند. به طور کلی این فرآورده‌ها 'کاربر' بوده و میزان سرمایه‌گذاری ثابت برای تأسیس هر واحد تولیدی آن نسبتاً پایین است. برای مثال، در حالی که سرمایه‌گذاری ثابت در صنعت پتروشیمی اغلب بالغ بر میلیونها دلار می‌گردد، سرمایه‌گذاری در مورد تولید پوشاک بسیار پایین می‌باشد. بنابراین سرمایه‌گذاری مبلغ معینی در این بخش باعث پیدایش تعداد بیشتری واحد تولیدی نسبت به بخشهای مهندسی مکانیک، ساخت خودرو یا صنایع شیمیایی خواهد شد. از آنجا که هزینه‌های کاری و پرداخت دستمزد، بخش عمده هزینه تولید پوشاک را تشکیل می‌دهد، سطوح پایین دستمزد در کشورهای در حال توسعه نیز اهمیت بسیار دارد.

به علاوه، در بخش تولید پوشاک، نسبت کارکنان متخصص و تحصیلکرده، مانند مهندسان، تقریباً پایین است. از نظر اقتصادی، به ویژه برای کشورهای که هنوز قادر نگردیده‌اند یک نظام مؤثر آموزش متوسطه و عالی را مستقر نمایند، حمایت از صنعت منسوجات و پوشاک با هدف صادر کردن این کالاها، اولین قدم در راه صنعتی شدن می‌باشد. این امر اجازه می‌دهد که به طور

موقت کمبود سرمایه و نیروهای متخصص سد راه تولید نگردند. در همین زمان، تأسیس این گونه صنایع، ارز و درآمدهای مالیاتی بیشتری را فراهم می‌نماید که به نوبه خود برای تأمین مخارج برپایی نظام آموزشی کارآمد ضروری است.

برعکس بسیاری از بخشهای دیگر، صنایع منسوجات و پوشاک وابستگی بسیار اندکی به عملکرد موفق بخش حمل و نقل دارد، زیرا ارزش واحد وزنی کالاهای تولیدی بالا بوده و بنابراین موانع و تنگناهای موجود در بخش عرضه کالا زیاد حایز اهمیت نیستند.

سرانجام، رشد و توسعه این بخش یک روش مؤثر برای غلبه بر وابستگی در زمینه صادرات کالا است. در طول بیست سال گذشته، بسیاری از کشورهای در حال توسعه موفق شده‌اند از طریق افزایش صادرات منسوجات و پوشاک خود، تا حد بسیار زیادی از وابستگی در زمینه صادرات کالا رهایی یابند. برای مثال، این بخش در چین و هند یک چهارم کل صادرات را تشکیل می‌دهد، در حالی که در مورد ترکیه و تونس این رقم بیش از ۳۰ درصد است. سهم این بخش در کل صادرات کشورهای بنگلادش، پاکستان و هائیتی بیش از ۵۰ درصد است.

می‌توان گفت برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، تأسیس صنایع منسوجات و پوشاک با مستگیری درست صادراتی، این فرصت را مهیا می‌کند تا بر ساخت اولیه اقتصاد خود که کاملاً متکی بر کشاورزی است فایز آیند و بتوانند در مراحل بعدی، صنایع نوظهور خود را گسترش داده و متنوع نمایند.

این خط مشی اقتصادی بستگی به این دارد که در بهای بازارهای کشورهای صنعتی بر روی کشورهای در حال توسعه بازگردند که این امر به نوبه خود مستلزم اصلاحات بنیادی قابل توجهی در این کشورهاست. در اینجا، به طور کلی این بخش از صنعت باید کوچکتر شده و ایجاد اشتغال متوقف گردد. به علاوه، ضروری است که تولید بر روی منسوجات و کالاهایی متمرکز شود که نیاز به نسبت بالاتری از سرمایه و نیروهای متخصص دارند. مدتی طول خواهد کشید تا این سازماندهی مجدد به صورتی که از نظر اجتماعی قابل تحمل بوده و ایجاد تنش ننماید، سر و سامان گیرد. بنابراین توافقات و جرح و تعدیها در مرحله انتقالی ضروری است، اما این امور نباید فرایند سازماندهی مجدد را مختل نمایند.

از دهه ۱۹۵۰، توافقاتی در زمینه تجارت بین‌المللی منسوجات وجود داشته که عملاً از مطرح

شدن این بخش در مذاکرات گات ممانعت به عمل آورده است. در حالی که گات نیز به طور اصولی این بخش را در مذاکرات خود وارد می‌کند، ترتیبات خاصی صورت گرفت تا بر اصلاحات ساختاری ناشی از واردات (عمدتاً) از کشورهای آسیایی غلبه شود. این ترتیبات ابتدا به موافقتنامه تولید فرآورده‌های جهانی پنبه در ۹ دسامبر سال ۱۹۶۲ منجر شد که دو بار تجدید گردید و در سال ۱۹۷۳ به موافقتنامه جهانی منسوجات (یا با نام دیگر، موافقتنامه بافتهای چندرشته‌ای) تبدیل شد. این موافقتنامه، اساساً مقرر می‌دارد تجارت منسوجات باید به طور عمده توسط توافقات قانونمند دو جانبه بازار کنترل گردد. تحت شرایط خاص و بر خلاف قوانین گات ممکن است محدودیتهای وارداتی چند جانبه اعمال شود. این موافقتنامه از یک سو انجام اصلاحات ساختاری را آسان نمود، اما از سوی دیگر این گونه تفسیر شده است که آزادی زیادی فایده گردیده و محدودیت بسیار اندکی را اعمال می‌کند. به علاوه، یکی از نتایج این موافقتنامه، طرز برخورد غیر همسان کشورهای در حال توسعه بوده است، زیرا کشورهای خود را با قیمتهای نسبتاً بالا در کشورهای صنعتی به فروش رسانند و از این طریق به منافعی دست یابند که تحت شرایط رقابتی، کسب این منافع ناممکن بود. برعکس، سایر کشورهای در حال توسعه تقریباً به طور کامل در پشت درب بازارها متوقف شده‌اند، زیرا آنها قبل از این موافقتنامه از تأسیس صنایع منسوجات به منظور صادرات منع گردیده بودند.

هدف گفتگوهای جاری، گنجاندن مجدد بازرگانی منسوجات و پوشاک به طور کامل در مذاکرات گات می‌باشد. گرچه عقاید متفاوتی در زمینه جزئیات مسائل هست، اما یک توافق همگانی در مورد مطرح نمودن این موضوع در میان تمام طرفهای مذاکره کننده وجود دارد. برای مثال، یک گروه از کشورهای در حال توسعه که مذاکره زیادی منسوجات صادر می‌کنند، تقاضا دارند این بخش در اسرع وقت در نظام گات گنجانده شود.

جامعه اروپا، گنجاندن این بخش از صنعت را مشروط نموده است به اصلاح قوانین گات رایج با شرایط یکسان و منصفانه رقابتی با توجه به تخفیفهای مخصوص و شیوه‌های عرضه محصول با قیمتهای پایین تر به بازار. و نیز پیشرفت در سایر عرصه‌های دور مذاکرات اروگوئه، مانند پیشرفت در زمینه حمایت از سرمایه‌های معنوی. به ویژه در مورد فرآورده‌هایی که باید از فهرست موافقتنامه جهانی منسوجات خارج و بلافاصله در نظام گات گنجانده شوند، نظرات متفاوتی ارائه شده است.

همچنین در مورد طول مرحله انتقال، که در پایان آن تجارت منسوجات به طور کامل در نظام گات گنجانده و حل و فصل می‌گردد، اختلاف نظر وجود دارد. پیشنهادات از پنج تا ۲۰ سال متفاوت است.

از نظر پیشبرد خط مشی توسعه، الحاق سریع تمام تجارت منسوجات در نظام گات موضوعی است که از اولویت برخوردار است. پذیرش تجارت منسوجات در خارج از گات باعث به وجود آمدن یک عضو خارجی در نظام تجارت جهانی می‌گردد که در آن تمام موانع بازدارنده غیر تعرفه‌ای ممنوع گردیده است. این واقعیت که استقرار چنین وضعی در حال حاضر ۳۰ سال به درازا کشیده است، منشأ بسیاری از آفات بوده که نه می‌توان آن را توجیه نمود و نه می‌توان تنها با مطرح کردن مشکلات سازماندهی مجدد در کشورهای صنعتی، از آن صرف نظر کرد. به علاوه، بررسیهای تجربی نشان داده است که از اثرات توزیعی اقدامات طرفداران اصل حمایت اقتصادی، کارگرانی منتفع شده‌اند که احتمال از دست دادن شغل خود را داشته‌اند و این اغلب به طور عجیبی با میزان زیان مصرف‌کنندگان در کشورهای صنعتی بی‌تناسب است، زیرا آنها مجبورند هزینه اجرای این اقدامات را با پرداخت قیمت‌های بالاتر بپردازند. از این رو، برآورد شده است که در نتیجه اعمال اصل حمایت اقتصادی در بخش خدمات، مصرف‌کنندگان هر سال بیش از ۲ میلیارد دلار از دست می‌دهند. در اینجا نیز، مانند اغلب موارد دیگر، اگر کسانی که متحمل زیان می‌گردند، از طرف دولت پرداخت‌های مستقیم دریافت دارند، اهداف اجتماعی به بهترین وجه تأمین می‌گردد. به علاوه، در مناطق تأثیرپذیر، کاربرد خط مشیهای بنیادی ضرورت خواهد داشت و در درازمدت، این گونه خط مشیها بیش از خط مشیهای موفق خواهند بود که تنها هدف آنها حفظ ساختارهای قدیمی است.

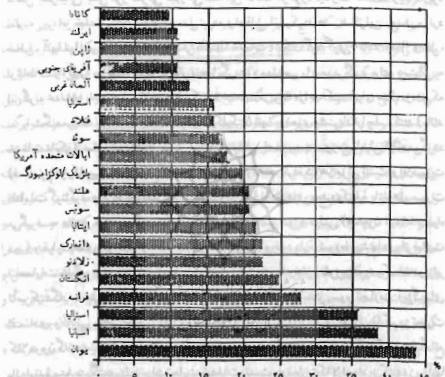
۳. از تجارت کالا تا تجارت خدمات

در حال حاضر تجارت خدمات $\frac{1}{3}$ کل تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد (در سال ۱۹۹۰ معادل ۶۴۰ میلیارد دلار). واحدهای کاری هر چه بیشتری از جمله در کشورهای جهان سوم - وابسته به توسعه این بخش می‌باشند. اختراعات و ابداعات فنی به طور مداوم انواع جدیدی از خدمات را به وجود آورده، و از این طریق زمینه را برای سازماندهی تولید با شیوه‌های جدید فراهم می‌آورند، که

این امر به نوبه خود باعث وابستگی نزدیکتر تولید و خدمات می‌گردد. اما بخش خدمات نه تنها ایجاد بیشترین مشاغل و کسب بالاترین منافع را در تمام کشورهای صنعتی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه میسر می‌سازد، بلکه اهمیت آن نیز روز به روز در حال افزایش است.

شکل ۶. نسبت صادرات بخش خدمات به کل صادرات در کشورهای صنعتی منتخب، سال

۱۹۸۷



تاکنون، تجارت بین‌المللی در زبنة خدمات، عمدتاً مشمول کنترل‌های دو جانبه بوده است. این تجارت حوزه‌های متنوعی، مانند جهانگردی، حمل و نقل، پردازش داده‌ها و ارتباطات، خدمات سمعی بصری، ساخت، نصب و خدمات مالی را دربرمی‌گیرد. غیرممکن است قوانین گات را به طور یکسان و بدون تبعیض در مورد تجارت خدمات اعمال نمود، زیرا تفاوت‌های کیفی بین تجارت کالا و خدمات بسیار زیاد می‌باشند.

تجارت کالا زمانی صورت می‌گیرد که یک کالای مادی محسوس با ارزشی معین از یک حد فاصل جغرافیایی یعنی مرز گمرکی عبور می‌کند. این حالت در مورد تجارت خدمات زیاد کاربرد ندارد، زیرا این خدمات غالباً نه قابل حمل بوده و نه قابل انبار کردن هستند. از این رو، در موارد خاص، آنها تنها در محل تولید فراهم می‌باشند. خدمات اشکال گوناگونی، مانند حمل و نقل، ارتباطات راه دور، ساخت، خدمات مالی، جهانگردی و مهندسی را دربرمی‌گیرد. برای دستیابی به این گونه خدمات یا باید مشتریان به عرضه‌کننده خدمات مربوطه مراجعه کنند (برای مثال، زمانی که به آرایشگاه مراجعه می‌کنیم)، یا باید شرکتها و کارکنان آنها به نحوی مشتریان را جلب کنند (مانند خدمات بانکی). سایر خدمات از طریق وسایل ارتباطی راه دور و به صورت نامرئی ارائه می‌گردد (مانند نرم‌افزار کامپیوتری). موانع فراروی این تجارت مانند تعرفه کالاهای مرئی نیست و به صورت اقدامات گوناگون و از طریق تصویب قوانین دولتی و قراردادهای محدودکننده بازارها، صورت می‌گیرد. به علاوه، موانع دیگری نیز مانند انحصارات خصوصی و دولتی (همچون ارتباطات راه دور) و قراردادهای دو جانبه (مانند حمل و نقل هوایی) وجود دارد. شروط پیشنهادی از فعالیت انحصارات جلوگیری به عمل نمی‌آورد، بلکه آنها را تنها ملزم به رفتار و طرز برخورد یکسان در برابر تأمین‌کنندگان داخلی و خارجی خدمات می‌نماید. هر شاخه از بخش سوم تجارت و ویژگیهای اقتصادی و قانونی خاص خود را دارد، به طوری که می‌توان تنها با تعدیل اصول حاکم بر تجارت کالا درون‌گات به یک توافق اساسی در آن زمینه دست یافت. نظامهای قانونی گوناگون، غالباً مانع بازدارنده بسیار بزرگتری را در برابر تجارت خدمات، نسبت به تجارت کالا ایجاد می‌کنند، زیرا آنها ممکن است، با توجه به شدت و ضعف وابستگی به محلی خاص، مشمول مقررات و قوانین گردند. اصولاً این امر بستگی دارد به مقررات متفاوت حاکم بر صلاحیت، صدور پروانه و تأسیس مؤسسه ارائه‌دهنده خدمات، قوانین متفاوت حمایت از مصرف‌کننده، اشکال گوناگون نظارت دولتی و

میزان نقش دولت در ارائه خدمات (برای مثال از طریق خدمات پستی یا انحصار بانکی). از آنجا که بسیاری از خدمات باید به طور کامل در محل خاصی ارائه گردند، بدون آزادی تأسیس محل ارائه خدمات و آزادی جابه‌جایی سرمایه، آزادسازی تجارت امکانپذیر نخواهد بود. حق تأسیس محل ارائه خدمات به نفع کارپردازان داخلی، و نیز قوانین محدودکننده در مورد مؤسسات و افراد غیرمقیم، موافق در مقابل مسیر حرکت این آزادسازی می‌باشد. اما اگر همزمان، بازارها به روی ارائه خدمات شخصی گشوده شوند، این امر همواره به معنی گشایش عامل بازار به روی نیروی کارگری است.

عوامل بازدارنده‌ای که مانع دسترسی به بازار می‌شوند، به ویژه از سوی صنایع خدماتی ایالات متحده آمریکا (با ۱۵/۷ درصد سهم بازار در سال ۱۹۸۹، ایالات متحده آمریکا پیشاپیش فرانسه، بزرگترین صادرکننده خدمات بوده است) مورد استفاده قرار گرفته‌اند و به همین علت تجارت خدمات یکی از موضوعات مذاکرات گات می‌باشد، زیرا هنوز توسط هیچ موافقتنامه بین‌المللی قانونمند نگردیده است. در مواردی که توافق دو جابه‌جازه ورود به بازار را سلب نموده، حرکت ارائه‌دهندگان خارجی خدمات به علت موانع تجاری و وجود بازارهای بسته متوقف شده است. برای مثال، در تاریخ اول ژانویه سال ۱۹۹۳ بازار واحد جامعه اروپا، برای اولین بار، بخش خدمات را در چهارچوب یک طرح بین‌المللی گسترده آزاد نمود. این طرح موانع موجود در بیشتر کشورهای عضو جامعه اروپا را از بین خواهد برد. تاکنون بانکها، شرکتهای بیمه و شرکتهای حسابداری و مشاوره‌ای مجاز بوده‌اند در کشورهای خاصی شعباتی دایر کنند یا تنها اجازه فعالیت محدودی را داشته‌اند. در سایر کشورها قوانین یا موانع مالی، خطوط هوایی و کشتیرانی را از مشارکت در حمل و نقل بازداشت است. معمولاً تاکنون دستاویزهای دیگری نیز برای جلوگیری از تجارت آزاد به کار گرفته شده‌اند که موانع سرمایه‌گذاری، تشریفات در بافت پروانه یا مقررات قانونی از آن جمله است. پیشرفتهای فنی در بخش پردازش داده‌های الکترونیکی و در حوزه ارتباطات راه دور، عرضه و توزیع را در سایر اجزای خدماتی فراورده‌های خاص بهبود بخشیده است. هرگونه خدمتی براساس اطلاعات کدبندی شده دیجیتال، می‌تواند از طریق وسایل ارتباطی راه دور، به سرعت، به صورت قابل اطمینان و نسبتاً ارزان به دست آید. بین‌المللی کردن فعالیت اقتصادی در طول چند دهه گذشته، بر روی خدمات بین‌المللی مربوطه، مانند حمل و نقل، بیمه و بخش مالی تأثیر گذاشته است.

به علاوه، تعداد، بزرگی و تنوع شرکتهای خدماتی چندملیتی فعال در بانکداری، بیمه، وکالت، تبلیغات و جهانگردی افزایش یافته است. پیشرفت و توسعه وسایل ارتباطی راه دور در اینجا نقش تعیین کننده‌ای به عهده داشته است. اما این افزایش مطلق و نسبی اهمیت بخش خدمات برای اقتصادهای ملی و شرکتهای چندملیتی، باید با آمارهای منتشره درباره سهم آنها در تجارت و بازرگانی بین‌المللی نشان داده شود. شرایط حاکم بر این تجارت بین کشورهای و بخشهای مختلف به شدت با یکدیگر متفاوت بوده و غالباً با وجود یا بدون وجود مقررات دولتی تأثیر بازدارنده داشته‌اند.

جدول ۱. سهم بخش خدمات در محصول ناخالص ملی و اشتغال

سهم بخش خدمات	به عنوان درصد محصول ناخالص ملی				
	۱۹۸۰	۱۹۶۵	۱۹۸۷	۱۹۸۵	۱۹۶۵
کشورهای صنعتی	۵۸	۴۸	۶۳	۶۱	۵۵
کشورهای در حال توسعه	۲۱		۴۹		
کشورهای در حال توسعه یوحسب درآمد سرانه					
بیش از ۱۶۰۰ دلار	۴۰	۳۲		۵۴	۵۱
۴۰۰ تا ۱۶۰۰ دلار	۲۹	۲۲		۴۷	۴۷
کمتر از ۴۰۰ دلار	۱۵	۱۱		۲۵	۳۲

منابع: World Bank, World Development Report, 1987 and GATT data.

حقیقت این است که موافقتنامه‌ای در زمینه خدمات به سود همه خواهد بود و گنجاندن خدمات به عنوان یک موضوع جدید مذاکرات گات در دور مذاکرات اروگوئه حرکت درستی است، زیرا این هر امکانی را فراهم می‌آورد تا چهارچوب ضروری چند جانبه‌ای به وجود آید که براساس آن داد و ستدهای خدماتی سازماندهی گردد. از سوی تجارت بین‌المللی خدمات، مانند حمل و نقل، بخش

مالی یا خدمات بیمه‌ای در حال گسترش است. از سوی دیگر، گات سازمانی است که بخشی از اصول و تجارب آن را می‌توان در زمینه خدمات به کار برد و به ویژه اغلب شرکای تجاری بین‌المللی، از اعضای گات می‌باشند.

اصول سازمان گات که در زیر آمده به عنوان عناصر اولیه یک موافقتنامه تجاری آزاد در زمینه خدمات، مناسب است.

- تجارت آشکار و پرهیز از پنهان کاری در مبادلات،

- طرز برخورد یکسان با کلیه کشورها و اصل حفظ منافع ملی بیشترین تعداد از کشورها، و

- شناسایی شروط گریز و ضرورت‌های ملی برای اقدامات حمایتی.

به مجرد اجرای این موافقتنامه، تعرفه‌ها و حقوقی که در مقام حفظ منافع همگانی هستند، و نیز تجارت آشکار مفرز شده در موافقتنامه، قوانین مربوط به یکپارچه کردن اقتصاد، استثنائات و رویه قضایی حاکم بر حل اختلافات به مرحله عمل درمی‌آیند. استثنائات گوناگون با شروطی برای تعهد حفظ منافع ملی بیشترین تعداد کشورها، در این مرحله برنامه‌ریزی می‌گردد. به ویژه قوانین مربوط به یکپارچه کردن اقتصاد، احتمال شناسایی متقابل و هماهنگ سازی بین‌المللی مقررات، معیارها و شروط صلاحیت حاکم بر امر صدور پروانه برای ارائه خدمات و استثنائات ضروری مربوط به تضمین اجزای مشخص در این ردیف قرار می‌گیرند. برعکس، مقررات حاکم بر طرز برخورد با افراد و مؤسسات مقیم و کمکهای مالی که برای آزادسازی مؤثر بسیار اهمیت دارند نباید بلافاصله اعمال گردند، بلکه باید فقط مطابق با تعهدات خاص و در مورد بخشهایی معین، در ارتباط با شرکای تجاری اجرا شوند. در این زمان باید قوانین دولتی مربوطه ملغی شوند، اما اعتراضات ملی، در صورتی که به برنامه آزادسازی مربوط آسیبی وارد نکنند، مجاز هستند. با این وجود، محدودیتهای جدید نباید معمول گردد. مسئله دسترسی به بازار که در مورد آزادسازی اهمیت دارد، باید جدای از مسئله طرز برخورد با افراد و مؤسسات مقیم تحت بررسی قرار گیرد، هر چند که این دو بسیار وابسته به یکدیگر هستند. هدف اصلی برای دسترسی به بازار نیز رسیدن به یک وضعیت "با ثبات و آرام" است.

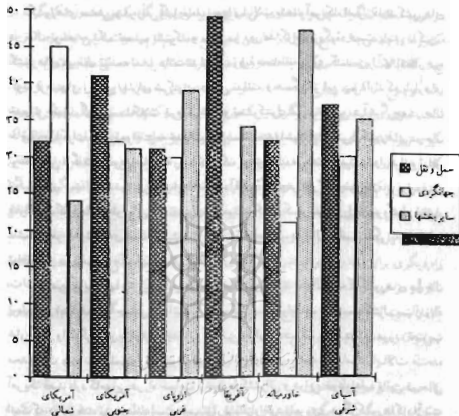
در زمان امضای موافقتنامه، گروههای همفکر خود را متعهد به مذاکره درباره کاهش محدودیتهای دسترسی به بازار و کمکهای مالی غیرقانونی و نیز تعدیل در طرز برخورد با افراد و

مؤسسات مقیم، خواهند نمود. در نظر گرفته شده است که اگر معیارها و استانداردهای خدماتی، قوانین اساسی مقرر شده در موافقتنامه را نقض نکنند، کماکان توسط نهادهای ملی تعیین گردند. قرار است ویژگیهای اجزای مشخص به عنوان بخش جدایی ناپذیر کل موافقتنامه تحت عنوان ضمایم اجزای مشخص^۲ مورد بررسی قرار گیرند. مع هذا، تنها زمانی توافق حاصل می شود که در مورد تعهدات خاص کشورهای در حال توسعه، اصل معامله به مثل، به طور غیر انعطاف پذیر اعمال نگردد، زیرا در غیر این صورت برای یک بازار خدماتی مستقل غیر ممکن خواهد بود که در آنجا استقرار یابد. به علت تضاد منافع، اجرای اصل برخورد یکسان با افراد و مؤسسات مقیم نیز، به عنوان یک قانون کلی، برای این گروه از کشورها مسئله آفرین می باشد.

به رغم اهمیت روز افزون بخش خدمات در کشورهای در حال توسعه، تجارت کالاها در آینده نقشی به مراتب مهمتر از نقش تجارت خدمات بازی خواهد کرد. به علاوه، اغلب بانکها، شرکتهای بیمه و نیز قسمتهایی از بخش بازرگانی، ملی اعلام شده یا در معرض کنترلهای گسترده دولتی قرار دارند، به طوری که این کشورها می توانند کنترل دقیقتری در اجرای اهداف خط مشی اقتصادی خود اعمال نمایند. آزادسازی، مانند آزادی عملیات بانکی، در جهت مخالف اهداف بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. با این وصف، تاکنون حتی کشورهای در حال توسعه نیز به سبب کمبود سرمایه، علاقه مند بوده اند با گشودن بازارهای خدماتی خود، سرمایه گذارهایی پایین را تشویق نمایند. به همین نحو، میزان اهمیت و نقش بخش خدمات را در بخش خارجی اقتصاد کشورهای در حال توسعه و در توسعه صنعتی آنها، نباید ناچیز شمرد. در بعضی موارد، سهم صادرات یک کشور در حال توسعه که از طریق خدمات داخلی فراهم می گردد، قابل توجه بوده و ممکن است تا ۴۰ درصد مجموع ارزش کل کالاهای صادراتی بالغ گردد.

در حالی که در مجموع، هنوز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه صادرات خدمات از اهمیت بالایی برخوردار است، اما در این بین کشورهایی مانند هنگ کنگ، کره جنوبی، سنگاپور، مکزیک تایوان، تایلند، مصر، چین و هند، در میان ۳۰ کشور عمده صادرکننده خدمات قرار دارند. نسبت سهم خدمات در محصول ناخالص ملی مکزیک بالاتر از تمام کشورهاست و به ۵۷ درصد می رسد، اما حتی در کشورهای کامرون و ژئیر نیز این رقم به ترتیب به ۴۵ درصد و ۳۵ درصد بالغ می گردد (۱۹۸۷).

شکل ۷. ترکیب صادرات خدماتی از طریق خشها و خدمات، سال ۱۹۸۸



منبع: GATT 1999/90, Vol.1, p.55, Table 5.

به این ترتیب، به ویژه کشورهایی که اقتصاد آنها عمدتاً بر پایه صادرات استوار است، علاقه مند به داشتن بخش خدمات کارآمد و با صرفه بوده و بنابراین، نسبت به کشورهایی که درگیر توسعه بازار داخلی خود هستند، بیشتر پذیرای تقاضای آزادسازی می‌باشند. به علاوه، این گونه کشورها برای منبذ داد و ستدهایی، دسترسی بهتری به بازار دارند.

کشورهای صنعتی و در رأس آنها جامعه اروپا و ایالات متحده آمریکا، اصرار دارند کشورهای در حال توسعه به یک تصمیم مشترک و سریع در دور مذاکرات اروگوئه دست یابند. تاکنون، کشورهای در حال توسعه تمایل داشته‌اند از یک رویه محتاطانه پیروی کنند، زیرا آنها انتظار هیچ گونه فرصتهای رقابتی را برای شرکتهای داخلی نداشته و همگی از این بیم دارند که بازارهای خدماتی آنها در گرداب مشکلات غوطه‌ور شود و تحت کنترل شدید خارجی درآید. گرچه در حال حاضر، مذاکرات درباره موافقتنامه خدمات به بن‌بست رسیده است، اما بعضی از کشورهای در حال توسعه بیش از گذشته خود را مایل به رسیدن به یک توافق نشان می‌دهند، زیرا امیدوارند این توافق گزینه‌های عمده‌ای را در این بخش ایجاد نماید. آقای "کارلوس فریر" رئیس سازمان یونیسف و در اسپون کارفرمایان اروپایی در تفسیری پیرامون شکست کنفرانس وزرا در بروکسل اظهار داشت: "امر ناخوشایندی است که پیشرفت در زمینه خدمات... در حال حاضر بستگی به رسیدن به توافقی در مورد موضوع کمکهای مالی کشاورزی دارد".

در ضمن آمریکاییها و اروپاییها نیز در حال حاضر بیم دارند (همان گونه که کشورهای در حال توسعه در ابتدا همین احساس را داشتند) که ممکن است گرایشها به سمت کنترل بسیار زیاد بازرسی و وابستگی، در بازارهای خدماتی آنها نیز برقرار گردد. یک مثال در این مورد، تصویب محدودیت واردات فیلمهای تلویزیونی غیر اروپایی از سوی جامعه اروپاست. ایالات متحده آمریکا قصد دارد گامهایی در راه حمایت از خطوط کشیرانی و هوایی خود بردارد و این در حالی است که دولت هند نیز در صدد است در بازار نرم افزار خود را بر روی دیگر کشورها کاملاً بسته نگه دارد. تمام این شواهد نشان می‌دهند که گرایش به سمت انزوا گرایی، به جای کاهش بیشتر در مال افزایش است. نظر به گرایشها محافظه کارانه، مشخص نیست تا چه حد کلیه بخشها تحت پوشش موافقتنامه قرار خواهند گرفت، و هماهنگی و توان اولیه در مورد آزادسازی تا چه اندازه

زیاد خواهد بود. برای مثال، ایالات متحده آمریکا قصد دارد با برقراری حالت حفظ منافع بیشترین تعداد کشورهای مخالف نماید، زیرا تصور می‌کند از این طریق می‌تواند به سایر کشورهای فشار آورد تا بازارهای خدماتی خود را باز نگه دارند. به علاوه، جامعه اروپا، اصل ممنوعیت کلی و جامع را در مورد تبعیض مورد اعتراض قرار داده است. لژنظر آنها، کشورهای در حال توسعه بر کسب امتیازاتی در مورد مسئله کارگران مهاجر پافشاری می‌نمایند، زیرا برای این گونه کشورهای درآمد کارگران در کشورهای صنعتی یک منبع تأمین ارز خارجی است. مع هذا، بیم از مهاجرت ناشی از فقر چنان زیاد است که ایالات متحده آمریکا و جامعه اروپا قصد ندارند اجازه دهند مسائل مهاجرت، به عنوان یک موضوع مذاکرات مطرح گردد. اما به نظر می‌رسد دستیابی به سازشهایی در این زمینه نزدیک است. ضروری است مصالحه دیگری بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه صورت گیرد، زیرا کشورهای صنعتی تنها مایلند خدمات سرمایه بر خود را صادر نمایند، در حالی که کشورهای در حال توسعه فقط راغب به صدور خدمات کاربر هستند. حتی با این وجود، نیاز منطقی و توجیه پذیر کشورهای در حال توسعه در زمینه اقدامات حمایتی باید مدنظر قرار گیرد، تا آنها بتوانند بخش خدماتی سرمایه بر خود را مستقر سازند. برای مثال، توسعه یک بخش مستقل بانکداری یا بیمه، مستلزم توافق بر یک دوران انتقالی طولانی تر با اعمال معافتهای خاص است. راه دیگری برای محدود نمودن قدرت شرکتهای بین المللی فعال در زمینه بانکداری و بیمه وجود ندارد و در هر صورت باید آنها را از طریق دولت‌ها کنترل نمود. مذاکرات درباره این گونه خدمات، کاملاً تحت الشعاع مواضع و منافع متضاد موجود در بازار جهانی قرار گرفته است و بنابراین نمی‌توان رسیدن به نتیجه‌ای جامع در چهارچوب یک موافقتنامه را تضمین نمود.

۴. حمایت از سرمایه معنوی

تاکنون، قوانین گات هیچ گونه حمایتی را در مقابل نقض حقوق سرمایه معنوی منظور و تأمین نکرده است. به ویژه، در قوانین گات برای آن نوع از اقدامات تلافی جویانه، مانند بازار شکنی، که در مورد سایر اعمال تجاری غیرمنصفانه معمول و مجاز می‌باشد، هیچ گونه مقرراتی پیش‌بینی نشده است. مذاکرات درباره حمایت از سرمایه معنوی تنها مربوط به تعمیم حمایت از حق ثبت اختراع در سطح بین‌المللی نیست، بلکه حمایت از حق استفاده انحصاری از نمونه اختراع ثبت شده، علائم تجاری،

حق تألیف و جلوگیری از سرقت آثار ادبی و هنری را نیز دربرمی‌گیرد. تغلفانی از این قبیل در بسیاری از بخشها، مانند تولید منسوجات و پوشاک، ماشین افزار، نیمه هادها، نرم افزار کامپیوتری، صنایع شیمیایی، فرآورده‌های دارویی یا نوارهای صوتی و تصویری معمول است. از نظر کشورهای صنعتی سازمان ملل متحد در برابر حفظ سرمایه‌های معنوی مسئول می‌باشد، زیرا سازمان حفظ سرمایه‌های معنوی جهانی^۱ تاکنون قادر نبوده است این گونه مشکلات را به نحو احسن حل نماید. برعکس، کشورهای در حال توسعه که احتمال دارد از کار تقلیدی بیش از کار ابدایی منتفع گردند، تمایل اندکی دارند که چنین حمایتی تعمیم یابد. در سال ۱۹۷۰، تنها تقریباً ۶ درصد از مجموع ۳/۵ میلیون اختراع در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار داشت، در حالی که مؤسسات غیرمقیم مانند شرکتهای چند ملیتی، بیش از ۸۰ درصد اختراعات را به خود اختصاص داده بودند. از نظر اقتصادی، رقابت از طریق تقلید، در نگاه اول مثبت به نظر می‌رسد، زیرا اگر تقلیدکننده موقعیت انحصاری سابق یک مخترع را ازین ببرد، در جهت منافع مصرف‌کننده عمل نموده است، چراکه عرضه کالا افزایش یافته و در نتیجه قیمت فروش در جهت کاهش تحت فشار قرار می‌گیرد. بنابراین به طور کلی، حمایت از حقوق معنوی و تقویت مواضع قدرت بازارهای تجاری، وابستگی مستقیم به یکدیگر دارند. اما به سبب منافعی که از طریق حمایت از حق ثبت و حق تألیف به دست می‌آید، انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری در امر تحقیق و توسعه به وجود آمده و بنابراین روند سرعت اختراعات افزایش می‌یابد.

حق تألیف برای حمایت از مؤلفان و خالقان اولیه، مانند نویسندگان، موسیقیدانان، رهبران ارکستر و مانند اینها ضروری است. کالاهای مارک‌دار و حمایت قانونی از آنها ابزاری برای حمایت از مصرف‌کننده در بازار توسعه یافته‌ای است که در آن، هنگام خرید به سختی می‌توان از کیفیت کالاهای پیچیده مطمئن بود. بنابراین، از نظر پیشبرد خط مشی توسعه، تعمیم حمایت بین‌المللی از حق اختراع ثبت شده و مارک کالا مطلوب است. مع هذا، این امر منجر به توزیع مجدد منافع برای شرکتهای صاحب اختراع در کشورهای صنعتی گردیده و به زیان کشورهای در حال توسعه تمام خواهد شد. این کشورها مجبور هستند برای حق ثبت اختراع و اجازه‌نامه، پرداختهای اضافی داشته باشند و در نتیجه از رقابت به وسیله تقلید باز می‌مانند یکی از راه‌حلهای این تضاد

منافع آن است که کشورهای صنعتی در مقابل تعمیم بین‌المللی حق ثبت اختراع و جهت حمایت از حقوق سرمایه صنعتی خود، به کشورهای در حال توسعه پول اضافی پرداخت نمایند. این کمک آنها را قادر می‌سازد تا هزینه کاربرد اختراعات در تولید، مثلاً فرآورده‌های دارویی با انواع جدید بذره‌های پرمحصول را پرداخت نمایند. قابل شدن زمان کوناهتری برای حق ثبت اختراع در صنایع بنیادی نیز در دست بررسی است. حتی بدون در نظر گرفتن حقوق جدید نیز، کشورهای در حال توسعه توانایی پرداخت حقوق و امتیازات حمایتی موجود را نخواهند داشت.

مذاکرات دور اروگوئه به پیشنهادی موافقتنامه‌ای منجر شده است که اصولاً حق تألیف و حفظ و حمایت از سرمایه صنعتی را تعمیم داده، و اصل حفظ منافع ملی و رفتار یکسان در مقابل افراد و مؤسسات مقیم (پیشنویس موافقتنامه سرمایه گذاری تجاری برای حقوق سرمایه معنوی [TRIPS]) در آن منظور گردیده است. یک منبع خاص اختلاف و مجادله، فهرست کالاهایی است که کشورهای در حال توسعه می‌خواهند از حمایت از حق ثبت اختراع آنها معاف گردند. به علاوه، هنوز روشن نیست که موافقتنامه مذکور در قوانین گات گنجانده می‌شود یا تحت پوشش سازمان حفظ سرمایه‌های معنوی جهانی درمی‌آید. کشورهای صنعتی درخواست پیوستن آن را به گات دارند، زیرا این امر به طور چشمگیری پیشبرد ادعاها، اقدامات تلافی‌جویانه و روند حل اختلافات را آسانتر خواهد نمود. از نظر آنها، بسیاری از کشورهای در حال توسعه از آن بیم دارند که این موافقتنامه به زیان آنها تعبیر گردد و به همین سبب درخواست می‌کنند در سازمان حفظ سرمایه‌های معنوی جهانی گنجانده شود، زیرا به نظر می‌رسد در آنجا منافع آنان بهتر حفظ می‌شود.

5. موانع تجاری تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای

امروزه، تعرفه‌های بالا، گذشته از استثنائاتی مانند کشاورزی و منسوجات و بخش پوشاک، دیگر مشکل زیاد مهمی برای تجارت جهانی محسوب نمی‌گردند. از زمان به وجود آمدن گات تعرفه‌ها در طول چندین دور مذاکرات، به طور گسترده‌ای کاهش یافته‌اند که بخش اعظم این کاهش در دور مذاکرات توکیو صورت گرفته که در سال ۱۹۷۹ به نتیجه رسید. از آن زمان به بعد، میانگین تعرفه کالاها در کشورهای صنعتی ۴/۱ درصد، شامل ۰/۴ درصد کالاهای غیرآماده، ۴/۱ درصد کالاهای نیمه آماده، و ۶/۱ درصد کالاهای آماده بوده است. تنها شمار اندکی از کشورهای

پیشرفته، مانند استرالیا و زلاندنو، سطح بالاتری از تعرفه‌های حمایتی را برای کالاهای صنعتی خود اعمال کرده‌اند. به طور عمده این کشورهای در حال توسعه بوده‌اند که با میانگین تعرفه‌ای ۲۰ تا ۴۵ درصد یک خط منی تعرفه‌ای را دنبال نموده‌اند که به طور محسوسی مبتنی بر اصل حمایت اقتصادی بوده است. یا از این تعرفه‌ها به عنوان راهی برای کسب درآمد دولتی سود جسته‌اند. به این گونه کشورها، طبق ماده هیجدهم قانون گات و به عنوان یک استثنا بر اصول حفظ منافع همگانی و معامله به مثل صریحاً اجازه این کار داده شده، تا به این ترتیب از صنایع نو پای آنها حمایت شود. کمسیون جنوب نیز بجز مورد کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرقی آسیا به درستی بر این استثنائات تأکید می‌ورزد.

دور مذاکرات اروگوئه کاهش تعرفه‌ها را، به ویژه در حوزه‌هایی که هنوز نسبتاً بالا می‌باشند، هدف خود قرار داده است. مثلاً، جامه اروپا پیشنهاد نموده است تمام تعرفه‌هایی که هم اکنون بالای ۴۰ درصد هستند به زیر ۲۰ درصد کاهش یابند. این جامه حتی می‌خواهد کشورهای جهان سوم، به استثنای کشورهای کمتر توسعه یافته، تعرفه‌های خود را به سقف ۳۵ درصد کاهش دهند. کاهش تعرفه‌ها در گات همراه با افزایش موانع تجاری جدید غیرتعرفه‌ای بوده است که وظیفه آنها محدود کردن دسترسی به بازار است. این موانع تجاری برای مثال، شامل موانع قانونی برای اعطای اجازه نامه‌های وارداتی، استانداردهای بالای غیرمعتولانه، امکان دسترسی محدود به دعوت عمرمی برای مناصب و اسناد پیچیده، بازرگانی، موانع تجاری فنی و روشهای اعمال کنترل هستند. توافقات منظم ارادی بازار که از آن به بدی یاد می‌شود، یکی از موارد خاص بوده و تعداد کالاهایی که در حوزه عمل این توافقات قرار می‌گیرند، به طور مداوم افزایش یافته‌اند. این توافقات، به ویژه به زیان کشورهای در حال توسعه بوده و گذشته از اثرات نامطلوب دیگر، بر واردات فولاد، فراورده‌های فولادی، شکر، الیاف کفی، گوشت، حبوبات، قطعات اتومبیل و فراورده‌های الکترونیکی تأثیر می‌گذارد. حق انتخاب آزاد یک کشور تجاری مقتدر در این نکته است که به یک کشور کوچک یا ضعیف کتباً اعلام می‌دارد که در آینده چه چیزی به بازار عرضه نماید.

این عمل همانند یک تصمیم مطلق و استبدادی در مورد محدودیت‌های ترخیص کالا است، به ویژه زمانی که ادامه روابط تجاری مشروط به موافقت در این مورد گردد. این گونه توافقات محدود کننده ارادی ممکن است در بعضی اوقات در سطح شرکت نیز اعمال گردد.

چنین اقداماتی، بخش ۱ ماده ۱۱ موافقتنامه گات را نقض می نماید. در این بخش کلبه سازشها در مورد واردات و صادرات کتی تحریم شده اند. اگر چه این امر مفهوم یک قانون رسمی را ندارد، اما به طور غیررسمی و در عمل، این گونه اقدامات، سهمیه های وارداتی است که به دیگران تحمیل می گردد. دور مذاکرات اروگوئه، به درستی با این مسئله برخورد کرده و در صدد است به قوانین روشنی برای اقدامات مداخله گرانه دست یابد. یکی از متهمان اصلی در این مورد جامعه اروپاست که بیش از نیمی از اقدامات مداخله گرانه یا محدودیتهای تجاری دو جانبه شامل این حوزه یا کشورهای عضو آن می گردد. بین سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۸۸، نسبتی از واردات که به وسیله موانع تجاری غیر تعرفه ای تأثیر پذیرفته اند، تا بیش از ۲۰ درصد در مورد ایالات متحده، آمریکا و بیش از ۴۰ درصد در مورد ژاپن افزایش یافت، اما این رقم در مورد جامعه اروپا ۱۶۰ درصد بود. از آن گذشته، اقدامات تدافعی تأثیرات نامطلوبی، به ویژه بر کشورهای در حال توسعه داشته است. این موضوع به این سؤال منجر می گردد که آیا اصولاً جامعه اروپا تمایل دارد کشورهای در حال توسعه وارد نظام تجارت جهانی گردند یا خیر.

معنویت محدودیتهای کتی تجاری گات را می توان با تجربه هولناک این نوع محدودیتهای در دوران بین دو جنگ جهانی توجیه نمود. ثابت شده است این امر اثرات نهیض آمیزی بر مصرف کنندگان و گروههای مشخصی از تأمین کنندگان کالا بر جای می گذارد. در حالی که تعرفه ها عامل آشکاری بود، و می توانند توسط هر عرضه کننده ای محاسبه شوند، محدودیتهای کتی غیر قابل محاسبه هستند. یکی از زیانهای دیگر این امر آن است که زمانی که سهمیه ها ثابت باشند، خطر نسبتاً بزرگ سوءاستفاده، ارتشا و خود رأیی وجود دارد. در بیشتر موارد، به کشورها و شرکتهایی که قبلاً در بازار تثبیت شده اند سهمیه ای اعطا می گردد. با این فرض که توافقات منظم بازار ممکن است حتی، نتیجه خوبی در برداشته باشد. برای اینها، دیگر نیازی به عرضه کالا با قیمت های رقابتی نیست، زیرا سهمیه های سالانه را می توانند صرف نظر از عملکرد خود دریافت دارند. برعکس شرکتهایی که در کشورهای غیر عضو جامعه اروپا مسافر بوده و تاکنون تثبیت نگردیده اند، شانس اندکی برای ورود به بازاری دارند که به این نحو پایه ریزی شده است.

در نتیجه می توان چنین بیان کرد که افزایش تعداد موانع تجاری غیر تعرفه ای، اصول تجارت آزاد و منصفانه را مخدوش می کند. اگر مذاکرات بسیار موفقیت آمیز کاهش تعرفه ها در طول ۴۰ سال

گذشته، منجر به معاملات آشکار و خود رأیی کمتر گردد و تعرفه‌های کمتر تبعیضی جایگزین اقدامات غیرقابل پیش‌بینی، ناعادلانه و نادرست شود، آن‌گاه زمان اصلاحات فوری فرارسیده است.

کشورهای در حال توسعه که صادرکنندگان مهم و بالقوه محصولات کشاورزی هستند، باید چنین احساس کنند که بند ۲ ماده ۱۱ قانون گات حتی زیان دیگری را بر آنها تحمیل کرده است. این بند، استثنائات زیادی برای جلوگیری از محدودیتهای کمتی، به ویژه در مورد محصولات کشاورزی، قائل شده است. برای مثال، گات اجازه داده است موانع تجاری غیر تعرفه‌ای از طریق شرایط گریز اعمال گردند، که به ویژه کشورهای در حال توسعه اهمیت زیادی به آن می‌دهند، زیرا به این وسیله می‌توانند از صنایع داخلی در مقابل رکود ناگهانی بازارهای خود حمایت کنند. اما در این ضمن، آنها توسط کشورهای صنعتی نیز که با اعمال محدودیتهایی به دلخواه با کشورهای خاص مقابله می‌نمایند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. در حقیقت آنها به عنوان یک گزینش اجباری در آینده به این امر توجه نکرده‌اند بلکه با "رضایت" از آن بر ضد کشورهای صادرکننده استفاده می‌کنند. اما، توافقی این چنین بین یک کشور مقتدر صنعتی و یک کشور در حال توسعه تنها می‌تواند به معنی تحمیل یک توافق عام تفسیر گردد. بسط شروط حفاظت از صنایع داخلی در مقابل صنایع وارداتی که منجر به وخیمتر شدن موازنه پرداختها می‌گردد یا به تولید داخلی به شدت صدمه وارد می‌کند، مدت زیادی است که در گات بدون حصول نتیجه مورد مذاکره قرار گرفته است. در دور مذاکرات اروگوئه نیز تاکنون تصمیمی در این مورد گرفته نشده است که درباره چیزی که به اصطلاح اقدامات مداخله‌گرانه نامیده می‌شود، مانند "توافقات محدودکننده ارادی صادراتی"، چه اقداماتی نباید صورت گیرد (جدول ۲).

۶. کمکهای مالی

کمکهای مالی نیز به تجارت آسیب وارد می‌کنند. پس از کاهش تعرفه‌ها در دوره‌های مختلف مذاکرات چندجانبه، کمکهای مالی و سایر موانع تجاری غیر تعرفه‌ای، به صورت جایگزین دقیق و ظریفی برای اصل حمایت اقتصادی درآمده‌اند. از آنجا که در حال حاضر، رقابت بیشتر مسئله‌ای مربوط به قدرت مالی کشورها بوده و کمتر به بازدهی عملی شرکتها بستگی دارد، ناهنجاریهای

چشمگیری در روابط تجاری به وجود آمده است. مشکل دیگر این است که مجموعه قوانین مربوط به کمک مالی، شامل نکات نامشخص بوده و تفسیرهای گوناگونی از آن می‌گردد و بر این اساس منجر به برخوردها و تضادهای تجاری می‌شود.

جدول ۲. تعداد توافقات محدودکننده ارادی صادراتی (از جمله توافقات در مورد الیاف چندرشته‌ای)

بخش	سپتامبر ۱۹۸۶	۱۹۸۸
فولاد	۳۹	۵۲
کشاورزی	۷	۵۵
اتومبیل	۱۳	۱۷
منسوجات و پوشاک	۱۱	۷۲
فراورده‌های الکترونیکی	۷	۱۹
کفش	۵	۱۴
ماشین افزار	۳	۷
سایر بخشها	۴	۲۵
بازارهای حفاظت شده		
جامعه اروپا	۵۵	۱۳۸
ایالات متحده آمریکا	۳۲	۶۲
ژاپن و دیگران	۰	۱۳
کشورهای صنعتی	۱۲	۴۷
اروپای شرقی	۰	۱
صادرکنندگان تأثیرپذیر		
ژاپن	۲۴	۲۸
اروپای شرقی	۱۶	۴۵
کره جنوبی	۱۴	۲۵
سایر کشورهای صنعتی	۲۰	۵۹
سایر کشورهای در حال توسعه	۲۱	۹۸
مجموع	۹۹	۲۶۱

در کشورهای عضوگات، نظام بسیار گسترده‌ای از کمکهای مالی معمول می‌باشد و تاکنون مذاکرات دور اروگوئه نتوانسته است به یک پذیرش همگانی در مورد نحوه این کمکها دست یابد. یک راه حل 'سه مسیری' پیشنهاد شده که بین کمکهای مالی مجاز، ممنوع و 'غیرممنوع اما قابل اعتراض' تمایز قایل گردیده است. کشورهای جهان سوم اصرار می‌ورزند از تحریم و ممنوعیت کمکهای مالی معاف گردند. اگر این کمکها جهت تأسیس صنایع، گسترش بخش خدمات یا توسعه روستاها مورد استفاده قرار گیرند باید تمام اشکال کمکهای داخلی، مجاز شمرده شوند. به علاوه، باید ادامه کمکهای مالی صادراتی برای فقیرترین کشورهای در حال توسعه، به عنوان پاسخی به نقاضای آنها برای تأسیس صنایع داخلی، مجاز شمرده شود.

در این زمینه، قراردادادن کشورهای تازه صنعتی شده در سطحی مانند جامعه اروپا، ایالات متحده آمریکا و ژاپن یکی از موضوعات دشوار مذاکرات است. صرف نظر از این حقیقت که تاکنون غیرممکن بوده است توافق در مورد مقوله 'کمکهای مجاز' صورت گیرد، کشورهای صنعتی می‌خواهند دوباره یک دوران پنجساله را برای کمکهای مالی، از جمله در کشورهای در حال توسعه، مطرح نمایند. ایالات متحده آمریکا برای پذیرش سازشهایی در این مورد کمترین آمادگی را دارد. منابع خاص مورد بحث و مجادله، کمکهای مالی در زمینه تحقیقات، توسعه و اصلاحات ساختاری و کمک برای توسعه منطقه‌ای هستند.

۷. بازارشکنی و اقدامات ضد بازارشکنی

بازارشکنی به معنای وارد کردن یک محصول به قیمتی پایین‌تر از 'ارزش متعارف' آن است. ماده ۵ گات امکان اعمال اقدامات ضد بازارشکنی را به صورت تعرفه‌های جزایی (تعرفه‌های ضد بازارشکنی) فراهم می‌آورد و این در صورتی است که بازارشکنی 'باعث گردد یا احتمال رود که باعث می‌گردد زیان عمده‌ای به یک بخش از فعالیت اقتصادی وارد آورد، که در قلمرو یکی از طرفهای امضاکننده موافقتنامه قرار دارد، یا به طور گسترده‌ای تأسیس یک شاخه از فعالیت اقتصادی داخلی را به تأخیر اندازد.' به طور کلی، از نظر اقتصادی اقدامات ضد بازارشکنی قابل توجیه به نظر می‌رسد، اگر چه کسانی نیز به این گونه اقدامات به صورت یک حمایت اقتصادی پنهانی می‌نگرند.

در ابتدا، مصرف‌کننده از ارائه محصولات ارزاقیتمت منتفع می‌گردد، اما اگر یک صادرکننده داخلی در اهداف خود برای حذف رقابت داخلی از طریق بازاریابی، موفق شده باشد و در نتیجه موقعیت و موضعی قوی در بازار به دست آورد، از آن پس می‌تواند مجدداً قیمت محصولات خود را افزایش دهد و بنابراین منافع کلانی کسب می‌نماید. از این رو در اولین مرحله، بازاریابی باعث از دست رفتن مشاغل در شرکتهایی می‌گردد که با کالاهای وارداتی رقابت می‌کنند و در مرحله بعد، یعنی زمانی که قیمت‌ها مجدداً افزایش یافت، مشاغل جدیدی، از طریق تأسیس دوباره آن صنعت ایجاد می‌شود. از نقطه نظر اقتصادی، این مراحل تعدیل اقتصاد داخلی غیرضروری بوده و باعث ایجاد تنش و ناآرامیهای اجتماعی می‌گردد و می‌توان از طریق اعمال اقدامات ضد بازاریابی با آن مقابله نمود.

اما، مواردی نیز هست که ارزش اقدامات ضد بازاریابی مورد تردید قرار می‌گیرد. برای مثال، اگر صادرکننده‌ای کالاهایی را در خارج با قیمتی به مراتب ارزاتر از بازار داخلی به فروش رسانده باشد، که این عمل یک ملاک برای بازاریابی است، ممکن است این نشانه‌هنگام نوعی رقابت سخت باشد که در بازارهای خارجی مطلوب است، در حالی که فروشنده کالا در داخل یک موقعیت شبه انحصاری داشته و بنابراین می‌تواند کالای خود را با قیمتی گرانتر به فروش برساند. فروش کالا را با قیمتی پایین‌تر از هزینه ساخت، که ملاک دیگری برای اعمال اقدامات ضد بازاریابی است، همیشه نمی‌توان از نظر اقتصادی محکوم کرد. غالباً، فروشندگان تازه وارد مجبور هستند در شروع کارهایشان را ارزاتر از هزینه تمام شده به فروش برسانند، زیرا آنها برای به دست آوردن جای پا در بازاری که تحت سلطه محصولات مارک دار شناخته شده است، چاره‌ای جز این ندارند. تنها زمانی که محصول یک صادرکننده زمینه و موقعیتی در بازار کسب بشماید و دارای شهرت و اعتبار گردد، قیمت‌ها در کشور صادرکننده کالا می‌تواند به سطح سودآوری افزایش یابد. دلیلی دیگر برای فروش کالا با قیمت پایین‌تر از هزینه ساخت، آن است که در زمان وجود بحرانهای ادواری، شرکتها در صورت امکان کارگران خود را بلافاصله اخراج نخواهند کرد، بلکه دست کم هزینه اصلی نیروی کار خود را حفظ خواهند نمود، حتی اگر این به آن معنا باشد که تنها قادر باشند محصولات خود را با قیمتی پایین‌تر از هزینه ساخت برای یک دوره زمانی مشخص به خارج بفروشند.

به همین نحو، دومین ملاک برای اعمال تعرفه‌های جزایی، یعنی آسیب رساندن به یک شاخه از فعالیت اقتصادی داخلی، همیشه از نظر اقتصادی غیرقابل اعتراض نیست. شاخه‌هایی از صنعت که در اختیار کارتها با انحصارات هستند و کمتر براساس رقابت عمل می‌کنند، به شدت توسط بازارشکنی صدمه می‌بینند، با این نتیجه که هر چه اهمیت کمتری به حمایت از ساختارهای اقتصادی داده شود، غالباً ملاکهای گات برای اعمال اقدامات ضد بازارشکنی بیشتر شامل آن می‌گردد. موضوع جالب توجه این است که موارد بازارشکنی در دوران بیکاری افزایش یافته و در طول دوران افزایش تورم کاهش می‌یابد. در مورد اول، به نفع کارگران است که از حق خود دفاع نمایند، در حالی که مورد دوم بیشتر بر مصرف‌کننده فشار می‌آورد.

رقابت بین‌المللی سالم می‌تواند جایگزین اقدامات ضد بازارشکنی گردد، زیرا مبادلات آزادانه بین بازارها از بازارشکنی ممانعت به عمل می‌آورد، اما متأسفانه قانون بین‌المللی لازم در مورد رقابت وجود ندارد. زمانی که اعمال انحصاری فراتر از مرزهای ملی پیدا می‌کنند، وجود قوانین بین‌المللی و قدرتهای نظارت‌کننده بین‌المللی ضرورت می‌یابد و باید شامل عناصر اساسی یک نظم بین‌المللی، مطابق آنچه در آلمان غربی، جامعه اروپا و ایالات متحده وجود دارد، برای کنترل رقابت باشند. به طور کلی به نظر غیرممکن می‌رسد یک نظم جهانی حاکم بر رقابت با قوانین پذیرفته شده برای تمام اشکال آن در کوتاه‌مدت بتواند برقرار گردد.

این امر نشان می‌دهد که چرا باید بازارشکنی زبان آور مورد نه‌اجم قرار گیرد، اگر چه اقدامات ضد بازارشکنی تنها زمانی قابل توجیه است که در راستای یک تجارت منصفانه باشد.

حتی با این وجود، مرز بین اقدامات ضد بازارشکنی و حمایت اقتصادی مبهم است. بپذیریم، قابل فهم است که چرا کشورهای آسیای جنوب شرقی، که به ویژه در مقابل اقدامات ضد بازارشکنی تأثیر پذیر هستند، تقاضا دارند محدوده ملاکها برای چنان اقداماتی، کاهش یابد. اما، جامعه اروپا و ایالات متحده آمریکا به طور مداوم بر حمایت مؤثر از این گونه اقدامات تأکید می‌ورزند و جامعه اروپا به دنبال توسعه قانون ضد بازارشکنی است. اگر جامعه اروپا راه خود را دنبال نماید، زمانی خواهد رسید که در آینده قوانین جاری جامعه اروپا در تمام جهان تعمیم یابد. این مسائل نه تنها مربوط به بازارشکنی و تهدید جدی یک شاخه از صنعت به عنوان ملاکی برای اعمال اقدامات ضد بازارشکنی است، بلکه به رفاه محلی نیز آسیب می‌رساند. زمانی که بازارشکنی

و اعمال تعرفه‌های جزایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم، وظیفه داریم نه تنها برای منافع بخش صنعت اهمیت مقتضی را قایل گردیم، بلکه منافع مصرف‌کنندگان را نیز مدنظر قرار دهیم. اگر پیشنهاد جامعه اروپا مورد قبول قرار گیرد و با یک شیوه دادگاه مانند مرتبط گردد و در آن شرایط اعمال تعرفه‌های جزایی توسط اشخاص مستقل بررسی شود، آن‌گاه اقدامات ضد بازارشکنی میل حمایت اقتصادی خود را به میزان زیادی از دست می‌دهند.

این تقاضا که باید ملاکهای تعرفه‌های ضدبازارشکنی دقیقاً به صورت قاعده و قانون درآمده، و در موارد خاص و مفاد محدودکننده‌تری مشخص گردند، تقاضایی قابل توجیه و منطقی است. بنابراین تحت شرایط خاص، فروش با قیمتی پایین‌تر از هزینه ساخت باید مجاز شمرده شود و در این مورد دیگر نباید بازارشکنی ناچیز، به حساب تولیدکننده منظور گردد. تشخیص زیان در مورد یک شاخه از صنعت داخلی در نتیجه بازارشکنی، باید دقیقتر تعریف شود و برای هر مورد قوانین مؤکدی منظور گردد. قوانین مربوط به آیین دادرسی باید برای تمام طرفهای مربوطه منصفانه‌تر شود، و به صورت علنی و بیشتر شبیه دادگاه باشد. کاهش زمان دادرسی، هدف دیگر این مذاکرات است. مجموعه اصلاحات مورد بحث در مذاکرات گات، شامل گریز و ظفره نیز می‌شود که به عنوان یک جزء اصلی جرم بازارشکنی بوده و مربوط به تأسیس کارخانه‌های تولیدی با ارزش افزوده پایین در کشور واردکننده کالاست (که اصطلاحاً "کارخانه‌های آچار بیج‌گوشی" نامیده می‌شوند، که در آنها برای ساخت قطعات آماده، اجزای نیمه آماده به وسیله بیج به یکدیگر وصل می‌گردند)، اما در نظر است که فقیرترین کشورهای در حال توسعه، از شمول اقدامات ضد بازارشکنی معاف گردند.

ج) پیش‌بینی‌هایی در مورد استقرار یک نظم تجاری جهانی در آینده

۱. دور مذاکرات اروگوئه: محکوم به موفقیت!

کنفرانس وزارتی که به دور مذاکرات اروگوئه در دسامبر سال ۱۹۹۰ در بروکسل منجر شد، از نظر هنر پیشبرد مذاکرات بین‌المللی اهمیت چندانی نداشت. با این نتیجه که خاتمه موفقیت‌آمیز دور مذاکرات اروگوئه هدفی است که هنوز تأمین نگردیده است، سالها مذاکره و گفتگو هزاران سند و

خلاصه مذاکرات موفق نشدند به اهداف مورد نظر جام عمل ببوشانند. تنها موردی که همگی با آن موافقت نمودند این بود که، نباید اجازه داد دور مذاکرات اروگوئه به شکست منجر گردد. در این ضمن، مذاکرات در سطح کارشناسان در زانو ادامه دارد. مذاکرات تحت ریاست اعضای دبیرخانه گات و به صورت فشرده در داخل هفت گروه کاری سازماندهی شده است. تاکنون چنین تصریح گردیده که آمریکاها در ادامه مذاکرات شرکت خواهند نمود، زیرا تمهید آنها در این زمینه توسط کنگره تجدید شده است. با این وصف، مشکلاتی در زمینه های مهم وجود دارد: برای مثال، ایالات متحده آمریکا اصرار می ورزد در بخش خدمات استثنائاتی در نظر گرفته شود. پیشنهادات جامعه اروپا در مورد خط مشی کشاورزی هنوز بسیار محافظه کارانه است، زیرا اصل حمایت اقتصادی این جامعه از بخشهای کشاورزی سنتی، فولاد، منسوجات و پوشاک تعمیم یافته و شامل کالاهایی با نسبت بالایی از تکنولوژی پیشرفته نیز گردیده است. به ویژه، این امر با در نظر گرفتن این واقعیت مهم می باشد که جامعه اروپا مهمترین قدرت تجاری جهانی بوده و بالاترین سرمایه گذاری خارجی را انجام داده است. قرار است مرزهای گمرکی بین ایالات متحده آمریکا، کانادا و مکزیک و نیز بین اروگوئه، پاراگوئه و آرژانتین و بین کشورهای عضو انجمن ملل آسیای جنوب شرقی^۱ و همچنین کشورهای کناره اقیانوس آرام از میان برداشته شود. دولتهای آسیایی، نگرانیهای خود را در مورد اروپای سنگربندی شده و نیز کاهش اصول گات آشکارا ابراز می کنند و در جستجوی شیوه های مؤثری به منظور هماهنگی استراتژیهای خود برای فتح بازارها هستند. با در نظر گرفتن مجموعه مطالب بالا، این حقایق ممکن است منجر به اختلال بازارها، هرج و مرج دو جانبه یا حتی جنگهای تجاری گردد.

شود. نگاه علوم انسانی و مطالعات شرقی

هر گونه نتیجه موفقیت آمیز دور مذاکرات اروگوئه باید به استقرار تجارت جهانی آزاد و منصفانه کمک نماید و امر آشنی و مصالحه بین منافع کشورهای که از نظر تجاری دارای اقتصادی قوی بوده و کشورهای که از این نظر ضعیف می باشند، و نیز بین تولیدکنندگان، شرکتها و مصرف کنندگان را در نظر داشته باشد، و قوانین اجتماعی و همچنین حفاظت محیطی را محترم شمارد.

کشورهای در حال توسعه، از طریق هیئتی که نمایندگان ۱۵ کشور در آن حضور دارند، به طور قابل قبولی تقاضا دارند که اقدامات حمایتی و فرصت دستیابی به بازار برای آنها صورت گیرد.

گرایش نگران‌کننده به سوی کاهش رقابت که در کشورهای جهان سوم، به ویژه در فقیرترین کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود، در حال افزایش است، زیرا آنان هنوز باید به صورت یکپارچه به تجارت بین‌المللی ملحق گردند. برای این گونه کشورها، این مشکل بسیار حاد وجود دارد که کشورهای صنعتی در بازارهای آنها بازرشکنی می‌کنند. اگر اضافه تولید در شمال و کمبود مواد غذایی در جنوب به طور مداوم همدیگر را تقویت کنند، هر گونه فرصت جهت توسعه مستقل واقعی آنها از دست می‌رود. به این دور نسل باید پایان داده شود و اینکه تا چه اندازه دور مذاکرات اروگوئه این فرایند را حمایت نموده یا از آن جلوگیری می‌کند، نشانگر میزان موفقیت و دستاوردهای آن است. گزارش جمعیت جهانی^۱ توجه ما را نسبت به وابستگی متقابل توسعه و رفاه، تجارت و کارایی اقتصادی جلب می‌نماید. بنابراین گات نباید اجازه دهد زمانی که کارایی نسبی کشورهای شمال در حال کاهش است، هدف تأمین منافع مادی کشورهای صنعتی دنبال گردد. به طور کلی، تعقیب اصول گات باید قابل اجرا باشد.

۲. تقویت موازین مؤسسات گات

(۱) توافقات چند جانبه، بهبود روشهای قضایی و توسعه سازمانی مشخصه اصلی گات به نظم درآوردن توافقات چند جانبه می‌باشد و این ویژگی امروزه از اهمیت زیادی برخوردار است. باید روابط تجاری در سطح جهانی از طریق توافقات چند جانبه تحت کنترل قرار گیرند، زیرا در غیر این صورت، کشورهایی که توان تجاری بالایی دارند، حقوق کشورهای ضعیفتر را پایمال خواهند نمود، و عوامل توزیع به نحوی عمل خواهند کرد که هر چه بیشتر به زیان کشورهای در حال توسعه تمام خواهد شد. ممکن نیست بدون یک توافق چند جانبه به نظم و ترتیبی در اعمال تجاری غیر منصفانه دست یافت، و شرایط مورد نیاز برای مقابله با عوامل زیانبار بازارها فراهم و تقویت شوند.

توافق بین آمریکا، کانادا و مکزیک، ابتکارات کشورهای آمریکای جنوبی مانند آرژانتین، برزیل و پاراگوئه یا کشورهای عضو آسه آن دلایل روشنی بر افزایش تجارت منطقه‌ای از طریق ایجاد مناطق آزاد تجاری و حوزه‌های اقتصادی، مشابه بازار انحصاری جامعه اروپا می‌باشد. این

منطقه گرای، واکنشی به عدم تصمیمگیری در مورد خط منی تجاری چند جانبه است. ما، این منطقه گرای، دقیقاً ضرورت و نیاز هر چه بیشتر، و نه کمتر، به توافقات چند جانبه را نشان می‌دهد. گروههای زیادی از کشورها که اتحادیه گمرکی تشکیل داده‌اند، به شیوه حامیان اصل حمایت اقتصادی حرکت می‌کنند. به علاوه، آنها می‌توانند از عهده این عمل برآیند، زیرا به اندازه کشورها یا گروهی از کشورهای کوچک وابسته نبوده و از اقدامات تلافی جویانه که بر روابط تجاری بین‌المللی آنها لطمه وارد می‌کند، نیز واهمه‌ای ندارند. از سوی دیگر، آنها می‌توانند کم و بیش تقوؤ خود را بدون ترس از هرگونه مجازاتی، از طریق اتخاذ یک خط منی محدودکننده تجاری، بر تجارت بین‌المللی اعمال نمایند.

بنابراین منطقی است که دور مذاکرات گات، به دستیابی مؤثر و آسان به بازارها از طریق توسعه قوانین گات در بخشهای دستی، به وسیله تقویت نظام چند جانبه و نیز از طریق تعمیم قوانین گات به بخشهای جدید، اهمیت می‌دهد. مع هذا، هنوز قدرت و کارایی سازمان گات مطلوب نیست. بعد از شکست سازمان تجارت بین‌المللی^۱ که در منشور هاوانا طرح‌ریزی شده بود، گات به عنوان یک راه حل موقت مطرح گردید. یکی از ضعفهای عمده گات نداشتن یک روئبای سازمانی است. بنابراین، دور مذاکرات گات باید مقرر نماید این سازمان دست به اصلاحاتی بزند که سازماندهی و نیز روشهای قضایی مؤثر برای حل اختلافات را در برگیرد. ضعف کنونی روشهای قضایی گات که برای حل اختلافات مورد استفاده قرار می‌گیرد، انگیزهای برای گریز از قوانین گات بوده و در جهت تمایلات طرفداران اصل حمایت اقتصادی است.

به ویژه چیزی که از هم اکنون مورد نیاز است، یک روش قضایی سریع و روشن برای حل اختلافات می‌باشد، زیرا از بین بردن گرایشات طرفداران اصل حمایت اقتصادی و محدودیتهای تجاری ظاهر فریب، با استفاده از روشهای قضایی طولانی و تصمیمات غیرمؤثر میسر نیست. یک روش قضایی دادگاه مانند با قضایی مستقل و یک دادگاه استینافی می‌تواند به پیشبرد این امر کمک کند. با این وصف، رأی استینافی باید بدون قید و شرط پذیرفته شده و در اسرع وقت اجرا گردد. بنابراین، هدف مذاکرات گات باید به وجود آوردن یک رفتار بین‌المللی مبتنی بر نظم باشد، که در آن صورت اعمال متصفانه‌ترین شیوه نظارت و کنترل ممکن بر اساس قوانین گات عملی خواهد

بود. بنابراین یک مجموعه قوانین جدید باید بهبود قابلیت پیش‌بینی و کیفیت تصمیمات را، از طریق ایجاد یک دادگاه دایم داری، دربرگیرد.

پیشنهادات ارائه شده در زمینه چگونگی سازماندهی گات هنوز مطلوب نیستند. این گونه پیشنهادات از نتیجه نامشخص دور مذاکرات اروگوئه نیز ناشی شده‌اند. به علاوه کشورهای در حال توسعه به طور قابل قبول، از آن واهمه دارند که سازماندهی گات ممکن است آنها را مجبور به ایفای همان نقشی نماید که هم اکنون در مؤسسات مالی بین‌المللی ایفا می‌کند. بنابراین، هر گونه سازماندهی نباید قابل به اعتبار رأی بر اساس سهم هر کشور در تجارت جهانی باشد اما، بسیاری از کشورهای صنعتی، به ویژه ایالات متحده آمریکا، مخالف نظام یک کشور-یک رأی در گات هستند. این تهدید را که آنها بیشتر در صدد ارتقای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه به یک سازمان تجاری کشورهای صنعتی بوده و کمتر به اصلاح گات همت خواهند گماشت، باید از زاویه عقاید آنها در مورد دموکراسی و نظم و ترتیب مطرح شده از سوی بسیاری از کشورهای در حال توسعه و سازمانهای غیردولتی، نگریت. مع هذا، ارتقای اونکاد که در بسیاری از موارد به عنوان یک عکس‌العمل مطرح شده، یک واکنش و حرکت متقابل نتیجه بخش نخواهد بود. بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به عنوان یک هدف درازمدت، تنها بر استقرار یک نظم جهانی جدید اصرار می‌ورزند و تمایل دارند به نحوی در تجارت جهانی ادغام گردند که باعث بهبودی وضعیت آنها گردد.

تلاشهای گوناگون در جهت حل اختلافهای تجاری به شیوه خودپسندانه و از طریق اصول دوجانبه یا فانونگذاری مستقل (مانند قوانینی که در ایالات متحده آمریکا تصویب شده است)، نشانگر میزان اهمیت روشهای قضایی چندجانبه می‌باشد. قدرت اعطای شده به گات (در پایان کنفرانس مونترآل و در فاصله بین دو کنفرانس اصلی) مانند قدرتی است که توسط مؤسسات مالی بین‌المللی اعمال می‌گردد و از آن طریق گزارشات خط مشیهای تجاری طرفهای امضاکننده موافقتنامه درخواست و کنترل می‌شود، و به تقویت گات و نظم و ترتیب آن کمک خواهد کرد. حتی با وجود این، بهبود قدرت تصمیمگیری در گات و اهمیت آن بستگی به چگونگی سازماندهی تشکیلاتی آن دارد. این بدان معناست که باید دبیرخانه دائمی گات تأسیس گردیده و به آن اختیار داده شود تا در زمان مقتضی با اعضا وارد مذاکره شود. تصمیم به برگزاری کنفرانسهای وزارتی

تجاری در هر دو سال یکبار، قدمی مثبت است، اما پایه‌گذاری یک سازمان با پوشش گسترده آن گونه که جامعه اروپا پیشنهاد نموده است، هنوز یک نکته بحث‌انگیز می‌باشد. وظیفهٔ پیمان سازمانی، مشخص کردن حقوق اعضا، ایجاد حلقه‌ها و روابط سازمانی بین توافقات گوناگون، تصویب قوانین برای حل اختلافات ناشی از تقاض موافقتنامه‌های مختلف، و به طور کلی اصلاح ساختار گات می‌باشد. به علاوه، اصلاحات سازمانی کمک می‌کند زمینه برای ایجاد روابط متقابل نزدیکتر بین تجارت، امور مالی و پول و نیز ارتباطات سازمانی بین گات، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی فراهم گردد.

(۲) مشارکت فداالتور کشورهای در حال توسعه

حتی امروزه نیز، گات به عنوان یک سازمان جهانی، می‌تواند نقش مهمی در پیوستن کشورهای در حال توسعه به اقتصاد جهانی بازی نموده و به آنها کمک کند تا سهمی در تقسیم کار جهانی داشته باشند. بنابراین، قابل شدن نقش کوچکی برای گات در مسئله شمال - جنوب و تقسیم جهان به 'پاشگاه ثروتمندان' و 'پاشگاه فقیران' اشتباه است. به کشورهای در حال توسعه باید فرصت ابراز عقیده در مورد چگونگی سازماندهی گات داده شود، به همین ترتیب، آنها باید اجازه یابند تا در تعیین روشهای قضایی حل منازعات و نظارت دقیق بر اجرای اصول گات نقش مؤثر داشته باشند. قدرت گات باید افزایش یافته و یک قانون بین‌المللی محدودکننده رقابت و نیز قانون ضد ترانس را دربرگیرد تا از این طریق بتواند از استعمار جدید (که ناشی از انحصار در زمینه‌های مبادلاتی است) جلوگیری به عمل آورد، بی‌قانونی در گات نتیجه‌ای جز ترس کشورهای جنوب به دنبال ندارد.

استقرار دموکراسی مطلوب در سازمانهای بین‌المللی، در مورد گات نیز باید در نظر گرفته شود. برای کشورهای در حال توسعه حیاتی است که به منافع آنها توجه بیشتری مبذول گردد، و بنابراین محق هستند که خواهان نفوذ بیشتری در گات باشند. اما برخلاف بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، گات یک نوع ابزار بین‌المللی نیست که سهم رأی متغیر و نویسی را بپذیرد، زیرا این سازمان با همفکری تمام طرفهای امضاکننده به وجود آمده است. انتقادات وارد بر اصل توافق، در صورتی که منجر به تسلط یک گروه تجاری بزرگ شود، منطقی است، اما حتی وجود یک رأی اکثریت و توزیع آرا بر اساس سهم هر کشور در بازار جهانی، هیچ‌گونه تغییری در این ساختار قدرت ایجاد نخواهد

کرد. در حالی که توزیع آرا مطابق آنچه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد معمول است، به خودی خود، وجود اکثریتی از کشورهای جهان سوم را تضمین می‌کند، اما این خطر نیز وجود دارد که کشورهای بزرگ تجاری از گات کناره‌گیری نمایند و در نتیجه کشورهای در حال توسعه به حال خود رها شوند که در این صورت توان عملکرد کل نظام زیر سؤال قرار می‌گیرد. این مسائل، در زمان اصلاح گات و زمانی که شکل واقعی چگونگی شرکت مطلوب کشورهای در حال توسعه تعیین می‌گردد، باید مورد توجه قرار گیرد. در یک ساختار شراکتی که تنها موقعیت تجاری چند کشور را در نظر می‌گیرد، "تجار کوچک" این جهان از قافله عقب مانده و به ویژه کشورهای در حال توسعه همچنان ضعیف باقی خواهند ماند.

دور مذاکرات اروگوئه برای کسب موفقیت تحت فشار قرار دارد. به ویژه، جامعه اروپا و نیز بسیاری از کشورهای جهان سوم باید به تداوم اصول چندجانبه علاقه‌مند بوده و از گات بخواهند تا تضمین نماید که تجارت تعصب‌آمیز و آمرانه آزاد یا "تجارت هدایت شده"، که به زیان کشورهای جنوب عمل می‌کند، به عنوان موضوع اصلی مذاکرات مطرح و مورد داوری قرار گیرد. در مقایسه با سایر دورهای مذاکراتی، مسیر دور مذاکرات اروگوئه پیچیده بوده و بنا به گفته جولوس نابره^۱ ممکن است به استعمار جدید بیانجامد. بخصوص، این مذاکرات از این جنبه مهم است که کشورهای جنوب باید همکاری نزدیکتری، از جمله در سطح منطقه‌ای، یا یکدیگر داشته باشند. کشورهای در حال توسعه باید به نحوی در نتایج دور مذاکرات اروگوئه اعمال نفوذ نمایند که غارت منابع آنها و نیز اشباع بازارهایشان با کالاها و خدمات کشورهای صنعتی مورد بررسی قرار گیرد، به گونه‌ای که این فرصت را برای آنها باقی گذارد یا به وجود آورد که بتوانند مسیر توسعه خودشان را طی کنند.

۳. تلاشهای جدید: شرایط محیطی و اجتماعی در تجارت جهانی

(۱) آیا بازار جهانی در پی غارت محیطی و منابع طبیعی است؟

تاکنون، حوزه حفاظت محیطی و منابع طبیعی در مذاکرات گات به دست فراموشی سپرده شده است و این در حالی است که "گزارش بروندلند"^۲ به روشنی اشاره بر ارتباط بین فقر، توسعه و حفاظت

1. Julius Nyerere

2. Brundtland Report

محیطی دارد. رشد تجارت جهانی و افزایش صادرات کشورهای نیمکره جنوبی که ناشی از بهره‌برداری نامتعادل و بسیار زیاد از منابع طبیعی است، همزمان منجر به افزایش فقر و نابودی منابع محیطی شده است. افزایش دیون، پرداخت بهره‌های بالاتر، فرار سرمایه و کاهش درآمدهای صادراتی باری بر دوش کشورهای در حال توسعه بوده و این گونه کشورها را به صادرات هر چه بیشتر مجبور نموده است، و این امر اغلب با تجاوز به منابع طبیعی آنها همراه است. علائم مشخص این مورد، افزایش بیابانها، فرسایش خاک و نیز نابودی جنگلهای مناطق گرمسیری است. علت اصلی نابودی جنگلها در آمریکای جنوبی ایجاد مراتع می‌باشد، در صورتی که در آفریقا، نابودی جنگلها توسط کشاورزان خرده‌پا و تولیدکنندگان الوار صورت می‌گیرد. این نابودی در آسیا، عمدتاً علت اجرای طرحهای استعماری و تولید الوار بوده است.

دور جاری مذاکرات که درباره محصولات نواحی گرمسیری است، قصد دارد دسترسی به بازار جهانی را برای تنباکو، الیاف گیاهی، کائوچو و الوارهای گرد تسهیل نماید. این محصولات، به طور عمده محصولات زراعی هستند که برای به دست آوردن فضا، با جنگلهای مناطق گرمسیری در حال نابود می‌باشند. هیچ گونه برنامه‌ای برای شمول شرایط طرز اداره منابع طبیعی به منظور حفظ جنگلها، در موافقتنامه گات وجود ندارد. در حقیقت با توجه به مذاکرات جاری، تحریم دولتی با حال محدودیت بر واردات به منظور حفظ جنگلها، طبق قوانین گات ممنوع شده است.

با این حال، تحریم واردات چوب از جنگلهای مناطق گرمسیری، صریحاً مورد پذیرش قرار گرفته است. زیرا در وهله اول، میزان تأثیر آن مورد تردید است. بخش بزرگی از نابودی جنگلها، می‌تواند به سبب گسترش زمینهای کشاورزی، و نه بهره‌برداری بیش از حد از جنگلها، صورت گیرد. علاوه بر بخش بزرگی از تولید الوار، که نتیجه بهره‌برداری بیش از حد می‌باشد، در داخل مورد استفاده قرار گرفته و صادر نمی‌شود. بنابراین، در اغلب موارد تحریم واردات توسط کشورهای صنعتی، به تنهایی تأثیر اندکی بر وضعیت جاری خواهد داشت.

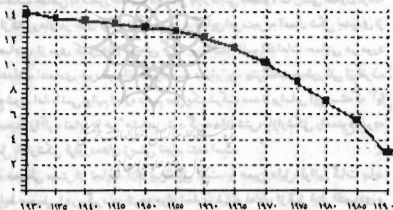
ایراد دوم بر محدودیت واردات، بر غیرمنتظران بودن این عمل اشاره دارد. کشورهای که برای جنگلهای گرمسیری هستند، برای بقیه نقاط جهان خدمتی را ارائه می‌نمایند. تحریم واردات، ممکن است آنها را ناچار سازد به جای دریافت هزینه مربوطه، که در واقع جبران مخارج ایجاد جنگلهای اضافی مصرف می‌گردد، این خدمات را به رایگان در اختیار دیگران قرار دهند.

نمونه‌های قوانین حفاظت محیطی در موافقتنامه‌های بین‌المللی کم نیستند. برای مثال، موافقتنامه‌های بین‌المللی کنترل حرکات پرون‌مرزی در زمینه مواد زاید (عهدنامه باسل)، حفاظت لابه اوزن (مقاولنامه مونتراک و عهدنامه زنو) و ممنوعیت تجارت حیوانات وحشی و گیاهان کمیاب (موافقتنامه واشنگتن) از آن جمله‌اند. بند ب ماده ۲۰ قوانین گات اجازه می‌دهد الحاق قوانین حفاظت محیطی، به استثنای موارد ذکر شده در ماده شش و دوازده، عملی گردد. در این موارد پیش‌بینی شده است اگر سلامتی مردم، حیوانات یا گیاهان در معرض خطر باشد، موارد استثنای قانون گات مجاز می‌باشد. مع هذا، تاکنون در عمل هیچ گونه استفاده‌ای از این احتمال نشده است. این امر ضرورت اصلاح شرایط زیستی را در گات هر چه فوری‌تر می‌نماید، زیرا اگر می‌خواهیم زنده بمانیم، باید یبذیریم ساختار محیطی مناسب برای تجارت جهانی بسیار مهم است. گات نیازمند یک گروه کاری و کمیته مشورتی، شامل نمایندگان سازمانهای غیردولتی است که در رسته حفظ محیط زیست کار می‌کنند. این گروه می‌تواند اثرات زیانبار زیستی در مورد تجارت جهانی و راههای محدود نمودن آنها را مورد بحث قرار دهد. همچنین، ممکن است در زمینه واردات، اقدامات حفاظتی به منظور حمایت در مقابل بازاریکنی محصولات زیستی معمول گردد، اما بسیاری از کشورهای در حال توسعه از آن بیم دارند که این امر منجر به اعمال شکل جدیدی از حمایت اقتصادی از سوی کشورهای صنعتی گردد. بی‌شک، اغلب اقدامات حمایتی در مورد واردات با اهداف اقتصادی خودخواهانه همراه است و بنابراین، بهتر است به طور کلی از طرف گات ممنوع شود. اما، ما نمی‌توانیم اجازه دهیم محل یک شرکت عمدتاً براساس این مسئله که آیا مجاز است محیط را آلوده نماید یا خیر^۱ مشخص شود. گرچه ماده شش، بازاریکنی را ممنوع نموده اما هنوز عمل بازاریکنی فرآورده‌های زیستی تحریم نشده است.

حفاظت محیطی مهمتر از تجارت آزاد بین‌المللی است. به همین دلیل، قوانین گات باید حفاظت شرایط محیطی را دربرگیرد. در نتیجه موانع تجاری غیر تعرفه‌ای، از قبیل ابزار اقتصادی و خط مشی مالی، که در بخشی از کشورهای صادرکننده، به وسیله دولت‌ها یا سازمانها به کار می‌روند تا از شرایط محیطی، حومه شهرها و منابع طبیعی محافظت کنند، باید مجاز شمرده شوند. این خط مشی اعمال شرایط و حفاظت محیطی باید قادر باشد به نحوی عمل کند که بدون نقض اصول گات دسترسی به بازار را محدود نماید.

مع هذا، باید به دقت اطمینان حاصل شود که حفاظت محیطی منجر به نوع جدیدی از اعمال اصل حمایت اقتصادی از جانب کشورهای شمال در مقابل کشورهای نیمکره جنوبی نگردد. نمونه جنگلهای مناطق گرمسیری به روشنی نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه منابعی در اختیار دارند، و این منابع براساس اینکه تا چه اندازه عاقلانه یا غیر عاقلانه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، می‌توانند به نفع یا به زیان بقیه جهان به کار روند. تا کنون کشورهای در حال توسعه مجبور بوده‌اند به تنهایی هزینه نگهداری این گونه منابع را بپردازند و بنابراین هر نوع زیان ناشی از کاهش درآمد، برای مثال در نتیجه اعمال محدودیت عمده زبستی در زمینه تجارت الوار مناطق گرمسیری، باید از نظر مالی توسط کشورهای صنعتی جبران گردد. تنها زمانی تجارت جهانی منصفانه و آزاد وجود خواهد داشت که این گونه قوانین در زمینه رقابت، اعمال شوند.

شکل ۸. مثال ساحل عاج - توسعه جنگلهای مناطق گرمسیری از سال ۱۹۳۰



مأخذ: WordBank.

در حالی که کشورهای صنعتی، در زمان صادر کردن کالاها، خود به کشورهای در حال توسعه، قیمتی را ارائه می‌کنند که در چهارچوب آن هزینه‌های حفاظت محیط زیست آنها منظور گردیده است، کشورهای نهمکره جنوبی نه تنها سهم خود را در مورد بهای کالاهاشان دریافت نمی‌کنند، بلکه هیچ‌گونه پرداختی به آنها بری بهره‌برداری از منابع جهانی نیز صورت نمی‌گیرد. با این وصف ضروری است که چنین سهمی را برای این‌گونه کشورها قابل گردید.

(۲) شرایط و قیود تجارت جهانی - در راستای پیشرفت اجتماعی

در مورد اینکه آیا شرایط اجتماعی باید در قوانین گات منظور گردند، مذاکرات متعددی درون‌گات جریان داشته است. به ویژه، ایالات متحده آمریکا از این تقاضا حمایت می‌کند. هدف این‌گونه شرایط و قیود اجتماعی جلوگیری از بازارشکنی و رقابت مکارانه اجتماعی است. براساس این شرایط، هر کشور یا شرکتی که استانداردهای اساسی کارگری مورد تصویب سازمان بین‌المللی کار را نادرده بگیرد، از اصول رقابت منصفانه تغلف نموده است. در واقع، ماده ۷ منشوری نمره‌اوانا اعلام کرده است: کلیه کشورها، متناسب با قدرت تولید خود، در منافع ایجاد و حفظ استانداردهای عادلانه کارگری سهم هستند و باید تا آنجا که قدرت تولید آنها اجازه می‌دهد، در تعدیل حقوق و شرایط کاری کوشا باشند. اعضا تصدیق می‌کنند که به ویژه، شرایط کاری ناعادلانه در عملیات تولیدی مبتنی بر صادرات، برای تجارت بین‌المللی مشکل آفرین بوده و بر این اساس تمام کشورهای عضو متعهد می‌شوند از طریق اقدامات مناسب و عملی، چنین شرایطی را در قلمرو خود ریشه کن نمایند.^۱

در اوایل دهه ۱۹۸۰، بار دیگر کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های تجاری آزاد^۱ تقاضا نمود برای فراهم آوردن استانداردهای مناسب، به منظور احقاق حقوق افراد و مجموعه‌های کارگری، شرایط اجتماعی در نظر گرفته شوند. این کنفدراسیون درخواست نمود یک کمیته مشترک مشورتی بین‌گات و سازمان بین‌المللی کار تشکیل گردد، که تقاضای آنها در قطعنامه نهم سپتامبر سال ۱۹۸۶، از سوی پارلمان اروپا مورد حمایت قرار گرفت. ایالات متحده آمریکا نیز، شمول انعاف استانداردهای کارگری را به عنوان جزء جدایی ناپذیر هرگونه مذاکرات در زمینه تجارت بین‌المللی

به شمار آورده است. براساس قانون تجاری ایالات متحده آمریکا که در سال ۱۸۸۸ مورد تصویب قرار گرفت، به دولت این اختیار اعطا شده است تا علیه کشورهای که از قوانین ممنوعیت کار اجباری، ممنوعیت به کارگیری کودکان، حق تشکیل اجتماعات و مقررات مربوط به حداقل دستمزد، ساعات کار و ایمنی در محیط کار تخلف می نمایند، براساس خط مشی بازرگانی اقداماتی صورت گیرد.

به ویژه، کشورهای در حال توسعه گنجانیدن شرایط و قیود اجتماعی را مورد اعتراض قرار داده اند. زیرا آنها این شرایط را به عنوان شکل جدیدی از حمایت اقتصادی پنداشت و معتقدند که در برابر فروش فرآورده های آنها در بازار جهانی موانع تازه ای ایجاد می نمایند.

یک نمونه در این مورد توافقنامه الیاف چند رشته ای است که تاکنون در گات گنجانده نشده است، و در آن اعمال شرایط و قیود اجتماعی در کشورهای در حال توسعه پیش بینی گردیده است. از سال ۱۹۶۲ تاکنون، مفایسه نرخیهای دستمزد متفاوت در صنعت منسوجات و پوشاک کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه، مشکلاتی را برای کشورهای جهان سوم در زمینه دسترسی به بازار به وجود آورده است.

در پایان سال ۱۹۸۸، «بیرخانه گات» پیشنهاد نمودگان و سازمان بین المللی کار بررسی مشترکی در زمینه اثرات شرایط کاری بر روی تجارت انجام دهند. با این وصف، این پیشنهاد مورد قبول واقع شد، زیرا قبل از آن باید دوباره لزوم گنجانیدن شرایط و قیود اجتماعی در قوانین گات مورد بحث فراموشی گرفت.

گان نمی توانند قوانین اجتماعی و کارگری را تعویض یا تقویت نمایند، و نیز نمی توانند شرایط کاری را در کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه تغییر دهند. با این وجود، زمان آن فرارسیده است که یک کمیته مشترکی متشکل از نمایندگان گات و سازمان بین المللی کار حقوق اجتماعی جمعی و فردی کارگران، مانند حق برپایی اجتماعات و تشکیل اتحادیه ها، ممنوعیت تبعیض، ممنوعیت به کارگیری کودکان و کار اجباری یا حق حمایت شغلی و درمانی را تعریف کند. این یک وظیفه اخلاقی است که بر واردات فرآورده های ساخته شده در کشورهای ناقض حقوق اساسی، تحریم بین المللی اعمال گردد.

مع لذا نباید اجازه داد شرایط و قیود اجتماعی در جهت بحامه عمل پوشاندن به اهداف

طرفداران اصل حمایت اقتصادی، مورد سوءاستفاده قرار گیرد. باید در نظر داشت هر جامعه‌ای، ب توجه به سطح توسعه و یک رشته ارزشهای اخلاقی رایج می‌تواند تنها اعمال و عادات خاصی را ن حد معینی بپذیرد. اعمال این گونه شرایط و قیود، نباید منجر به ایجاد یک نظام دو طبقه در کشورهای در حال توسعه گردد، نظامی که در آن حقوق قانونی و اجتماعی یک گروه کوچک کارگران شاغل در بخش دولتی تأمین می‌شود، در حالی که در کنار آنها توده عظیمی از کارگران وجود دارند که در بخش غیررسمی خصوصی کار می‌کنند و تحت پوشش هیچ گونه حمایتی قرار ندارند. در کشورهای در حال توسعه، بخش غیررسمی و خصوصی که شامل تعداد زیادی از حرفه‌های کوچک و تک نفره است، از کنترل دولت خارج می‌باشد بسیاری از مردم در این بخش امرار معاش می‌کنند، اما زمانی که با بحرانهای حیاتی رو به رو می‌شوند از پوشش دولت کاملاً خارج هستند. هدف خط مشی بین‌المللی نباید این گونه باشد که با چشمپوشی در مورد رعایت مقررات اجتماعی، این بخش غیررسمی را هر چه بیشتر نادیده بگیرد. در کشورهای خاصی، مانند پرو، بیش از نیمی از نیروی بالقوه کاری در این بخش شاغل هستند. به سبب وجود این خطرات، تحریمهای وارداتی و اعمال محدودیت در زمینه دسترسی به بازار تنها زمانی مجاز خواهد بود که تعریفی دقیق و منطقی از حداقل استانداردهای اجتماعی قابل قبول بین‌المللی ارائه شده باشد، ما نیاز به شرایط و قیود اجتماعی و محیطی داریم، اما این قیود باید به نحوی اعمال گردند که اثرات سازنده‌ای داشته باشند و مورد سوءاستفاده طرفداران اصل حمایت اقتصادی قرار نگیرند. برای مثال، صادرات کالاهایی که از طریق به کارگیری کودکان تولید شده‌اند، در حال حاضر اصول تجارت بین‌المللی آزاد و منصفانه را نقض نمی‌کنند.

نباید بیهوده در جستجوی ابتکاراتی برای گنجاندن اصول حمایتی گات از سوی جامعه اروپا (یا سایر کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه) بود، زیرا تحقق این امر در شرایط کنونی هیتز نبوده و منجر به اختلال در تجارت و اغتشاش در رقابت خواهد شد. این مسئله به عنوان تحمیل شکل جدیدی از تبعیض در مورد کشورهای در حال توسعه مطرح نیست، حتی اگر اکثریتی از آنان پیمان سازمان بین‌المللی کار را امضا نموده و مورد تصویب قرار داده باشند و در بسیاری از این کشورها، اتحادیه‌ها خواهان اعمال شرایط و قیود اجتماعی باشند. زمان آن فرارسیده است که حداقل استانداردهای اجتماعی مشخص، به مفهوم بازارشکنی، در گات گنجانده شود. در جایی که

سازدها و اختلافات حاکم است، سطح توسعه و شرایط موجود یک کشور بر هر گونه تصمیمی اثر اهد گذاشت و ممکن است منجر به اعمال اقدامات تدافعی در مقابل متخلفان گردد.

۳. تجارت بین‌المللی آزاد و متصفانه تضادها را کاهش می‌دهد

تجارت بین‌المللی که در آن قوانین متصفانه چند جانبه حاکم باشد، هم سودمند بوده و هم نظامی دفعند را دنبال می‌کند. تحقق این امر مستلزم توانایی در اصلاح و تعدیل، و نیز تعامیل واقعی به سیر ساختارهای قدیمی می‌باشد. یک نظام تجارت بین‌المللی آزاد بیشتر از جانب گروههای ممتنع محافظه کار و اعمال انحصارگراانه شرکتهای بزرگ مورد تهدید قرار می‌گیرد. از جمله طرقات دیگر، کوشش در جهت مسدود نمودن درب بازارها به روی دیگران، تلاش به منظور سیدن به خودکفایی ملی و نیز ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای است. برای مثال، امروزه "دز اروپا" نین تهدیدی برای تجارت بین‌المللی چند جانبه محسوب می‌گردد.

با این وجود، تجارت بین‌المللی آزاد و متصفانه نظامی است که اغلب برای آنهایی که در از مدت از آن تبعیت می‌کنند، منافی به همراه دارد. به علاوه، این نظام کمک می‌کند ثروتی باهم شود و اجازه می‌دهد زمان گروههایی که از تعدیل اقتصادی آسیب دیده‌اند جبران گردد. مادل کالاهای و خدمات این امکان را فراهم می‌آورد که بین اعضای جامعه ملل همکاری سودمندی ریان پیدا کنند. این نظامی است که در آن منافع دو جانب وجود دارد، به شرط اینکه قوانین بازی ها از سوی یک طرف تعیین نشود. این یک واقعیت عتی است که از سوی گروههای سیاسی شورهای صنعتی مورد تردید قرار گرفته است، گروههایی مدعی هستند کشورهای در حال توسعه سبب "نظام غیرمتصفانه مبادلاتی" در تجارت بین‌المللی می‌باشند. اما، این عقیده از تصویری درست ناشی می‌گردد، زیرا اصولاً تجارت بین‌المللی ابزاری نیست که توسط آن ثروت بین‌المللی طور غیرمتصفانه توزیع گردد و این می‌تواند به سادگی با یک مکانیزم عادلانه‌تر توزیع جایگزین ود. با اعمال قوانین عادلانه‌تر، کشورهای در حال توسعه نیز می‌توانند از نظام تجارت بین‌المللی نفع گردند. از بیست سال پیش تا کنون وجود بسیاری از شواهد تجربی، نشانگر آن است که شورهای در حال توسعه‌ای که اقتصادهای مبتنی بر بازار جهانی دارند، بهتر از کشورهای عمل رده‌اند که اقتصاد آنها مبتنی بر بازار داخلی است. بعضی از این کشورها، از جمله صادرکنندگان

موفق در بازار جهانی بوده و نه تنها در بخشهای همچون منسوجات، پوشاک و کالاهای پرمی فعالیت داشته‌اند، بلکه در مهندسی صنایع مصرفی، دوربینهای عکاسی، ساخت خودرو و کشتی‌سازی، تولید جواهر آلات، صنعت چاپ و نرم‌افزار کامپیوتری نیز موفق بوده‌اند. در مذاکرات جاری، به ویژه کشورهای در حال توسعه اشاره کرده‌اند که رسیدن به یک نتیجه در دور مذاکرات اروگوئه به نفع آنان است. دخالت این کشورها در موضوع حمایت از سرمایه‌های معنوی، نشان می‌دهد که آنها قصد دارند نقش غیرفعال خود را در گات به دست فراموشی سپارند. با کسب امتیازاتی در گروههای مختلف مذاکره‌کننده، این کشورها امیدوارند بتوانند دسترسی بهتر و مطمئن‌تری به بازار داشته و از آن طریق محصولات گرمسیری، منسوجات و مواد خام خود را صادر نمایند. به علاوه، آنها امیدوارند که تحکیم هر چه بیشتر قوانین گات منجر به موج جدیدی از سرمایه‌گذاری و صنعتی شدن گردیده و به آنها کمک نماید تا به بهران دیون خود فایق آیند.

آزادسازی چند جانبه، تنها شکل آزادسازی تجاری نیست. این امر می‌تواند از طریق اعمال اقدامات آزادسازی در بین شرکای منفرد نیز تحقق یابد. از نظر اقتصادی، می‌توان صریحاً اظهار نمود که این نوع آزادسازی سخاوتمندانه بین اتحادیه‌های منفرد، از آزادسازی چند جانبه در درون گات که به طور مساوی مشمول تمام کشورها می‌گردد، منافعی به مراتب کمتر در بردارد. اما در هر حال، آزادسازی دو جانبه بیشتر به زیان کشورهای ثالث تمام خواهد شد. چنین نظامی تحت سلطه قویترین کشور درمی‌آید که می‌تواند از این طریق منافع خود را نیز حفظ نماید. در این صورت، به ویژه برای کشورهای کوچکتر، و در نتیجه برای اکثریت کشورهای جهان سوم که از ویژگی آزادسازی چند جانبه متفع می‌گردند، این خطر وجود دارد که به علت عدم تشکل، هیچ‌گونه قدرت مذاکره‌ای نداشته باشند و بنابراین منافشان در آینده به دست فراموشی سپرده خواهد شد.

منابع:

- BAIL, CHRISTOPH: "Das Profil einer neuen Welthandelsordnung: Was bringt die Uruguay-Runde?" in: Europäische Zeitschrift für Wirtschaftsrecht 1990, S. 433 ff. und 465 ff.
- BLANKART, FRANZ A.: "Trade in Services, Definition eines Verhandlungsgegenstandes", in: Aussenwirtschaft 1989, S. 5 ff.
- VON BOGDANDY, ARMIN: "Eine Ordnung für das GATT", in: Rechts der Internationalen Wirtschaft, 1991, S. 55 ff.
- BORCHMANN, MICHAEL: "GATT: Uruguay-Runde in entscheidender Phase", in: Europäische Zeitschrift für Wirtschaftsrecht 1990, S. 339 ff.
- Bundesstaatsdruckache Nr. 11/5626: "Antwort der Bundesregierung zum Stand der multilateralen Handelsverhandlungen (Uruguay-Runde)", Bonn 9. 11. 1989.
- CASELLA, MICHAEL: "Non-Tariff Measures", in: Business America, Heft 10, 1990, S. 7.
- COOPER, ANDREW FENTON: "Exporters versus Importers: LDC's, Agricultural Trade, and the Uruguay Round", in: Intereconomics, Jan./Feb. 1990, S. 19 ff.
- CURZON PRICE, VICTORIA: "Welthandel: Mittel gegen den Protektionismus", in: Wirtschaftswoche Nr. 17 vom 19. 4. 1991, S. 88 ff.

- Deutsche Bundesbank (Hrsg.): Internationale Abkommen im Bereich von Wahrung und Wirtschaft, Sonderdruck Nr. 3, Frankfurt am Main 1986³.
- Erklärung der Staats- und Regierungschefs zum Weltwirtschaftsgipfel in Houston vom 9.-11. 7. 1990, in: Europäische Zeitschrift für Wirtschaftsrecht 1990, S. 337.
- FRÖLICH, HANS-FETER: Das GATT am Scheideweg. Beiträge zur Wirtschafts- und Sozialpolitik (Institut der deutschen Wirtschaft) Nr. 168, Köln 1989.
- GATT: Activities 1918. Genf 1989.
- GATT: International Trade. Diverse Jahrgänge, insbesondere 89-90, Genf 1990.
- GIBSON, J. C.: "The GATT Midterm Review and Agriculture: Prospects for Trade Reform in the Uruguay-Round", in: Trade Monitor, H. 9, November 1988, S. 1 ff.
- GIESECK, ARNE - HERMANN SCHULTE-MATTLER: "Liberalisierung des Finanz-Dienstleistungshandels: Die Uruguay-Runde des GATT", in: Bankarchiv, H. 5, 1990, S. 360 ff.
- HARTWIG, B. - I. TANGERMANN: "Die Stellung des Agrarhandels im GATT am Beginn der Uruguay-Runde" in: Agrarwirtschaft, S. 69 ff.
- HILL, EILEEN: "Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights", in: Business America, H. 10, September 1990, S. 17.
- JACKSON, JOHN H.: Restructuring the GATT System, USA 1990.
- KHAN, KHUSKI M.: "Uruguay-Round and the Developing Countries: The Mid-Term Review", in: Nord-Süd aktuell, 2. Quartal 1989, S. 225 ff.
- KIRMAN, NAHEED: "Die Uruguay-Runde: Wiederbelebung des Welthandelssystems", in: Finanzierung und Entwicklung, März 1989, S. 6 ff.
- KOOPMANN, GEORG: "Scheitert die Uruguay-Runde?" in: Wirtschaftsdienst, Nr. 12, 1990, S. 518 ff.
- LAIRD, SAM - ALEXANDER YEATS: "Nichttarifare Handelshemmnisse der Industrieländer 1966-1986", in: Finanzierung und Entwicklung, März 1989, S. 12 f.
- Ministererklärung von Punta del Este, in: Europa-Archiv, 6/1987, S. 163 ff.
- NAU, HENRY R.: Domestic Trade Politics and the Uruguay-Round, New York 1989.
- ORR, ROBERT: "Natural Resource-Based Products", in: Business America, September 10, 1990, S. 9.
- PETERSON, JOHN: "International Trade in Services - The Uruguay-Round and Cultural and Information Services", in: National Westminster Quarterly Review, August 1989, S. 56 ff.
- SCHULTZ, SIEGFRIED: "Services and the GATT", in: Yapi Kredi Economic Review, Vol. IV, No. 1, October 1989, S. 3 ff.
- SENTI, RICHARD: "Bilateral Agricultural and Commodity Agreements - Protectionism Trade to Measure", in: Intereconomics, No. 5/6, 1978, S. 115 ff.
- SENTI, RICHARD: "Subventionen und Gegenmassnahmen in der geltenden Welthandelsordnung", in: Aussenwirtschaft, 38. Jahrgang, Heft I, 1983, S. 21 ff.
- SENTI, RICHARD: "Dumping and Anti-Dumping Measures", in: Intereconomics, July/August 1984, S. 127 ff.
- SENTI, RICHARD: GATT: Allgemeines Zoll- und Handelsabkommen als System der Welthandelsordnung, Zurich 1986.
- SENTI, RICHARD: "Die Wirtschaftliche Relevanz des GATT", in: Zeitschrift für Wirtschaftspolitik, Bd. 36, 1987, S. 193 ff.
- SENTI, RICHARD: "Die Stellung der Entwicklungsländer, im GATT", in: Sautter, Hermann (ed.): Konsequenzen neuerer handelspolitischer Entwicklungen für die Entwicklungsländer, Berlin 1990, S. 19 ff.
- SENTI, RICHARD: "Institutionelle Möglichkeiten einer multilateralen Handelsliberalisierung", in: Sautter, Hermann (ed.): Konsequenzen neuerer handelspolitischer Entwicklungen für die Entwicklungsländer, Berlin 1990.
- Weltbank: Weltentwicklungsbericht. Diverse Jahrgänge.
- WITT, PETER: "Die Uruguay-Runde: Auf dem Weg zu einem verbesserten Welthandelssystem?", in: Europa-Archiv, Folge 2, 1986, S. 41 ff.